

يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضَّرَّ

انتظار الفرج

مؤلف: علی اکبر مغبثی پور (سبزواری)

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

انتظار الفرج

علی اکبر مغبثی پور

(سبزواری)

پاییز ۸۰

(سال مولا امیرالمومنین علی علیه السلام)

ISBN 964-6890-79-2

مغیثی پور سبزواری، علی اکبر

انتظار الفرج: علی اکبر نعمتی پور سبزواری

تهران: مرکز فرهنگی و انتشاراتی ایستا، ۱۳۸۰، ۹۶ ص.

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیر نویس.

۱. محمد بن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ ق.

۲. مهدویت - انتظار - احادیث، الف، عنوان.

۲۹۷/۴۴۲

۱۳۲۵۱ / م ۶۷

کتابخانه ملی ایران

محل نگهداری:

۱۹۱۴۲ - م ۸۰

انتظار الفرج

مؤلف: علی اکبر مغیثی پور سبزواری

طراح جلد، ویراستار و مصحح: محمد ذکایی پور

نوبت چاپ: اول ۱۳۸۰

شمارگان: ۳۰۰۰

نشر ایستا

شابک ۹۶۴-۶۸۹۰-۷۹-۲

قیمت ۶۰۰ تومان

فهرست مطالب:

۱۱	پیشگفتار:
	بخش اول:
۱۷	فصل اول - دین اسلام کاملترین ادیان
۲۱	فصل دوم - ضرورت شناخت دین و امام
۲۳	فصل سوم - شناختی کلی و اجمالی
۲۳	ولادت و امامت
۲۴	پدر و مادر حضرت
۲۵	غیبتهای حضرت
۲۵	نواب حضرت
۲۹	فصل چهارم - ظهور امام زمان (عج) در قاموس ادیان
۲۹	۱- هندویان
۳۰	۲- مسیحیان
۳۰	۳- یهودیان
۳۱	۴- زرتشتیان
۳۱	۵- اسلام
۳۳	فصل پنجم - چگونگی ظهور امام عصر (عج)
۳۳	تعداد یاران امام زمان (عج)
۳۴	سنگینی بار انتظار

۳۷	فصل ششم - راز طول عمر امام عصر (عج)
۳۸	چگونگی زندگی امام عصر
۳۸	شواهدی از طول عمر در قرآن
۳۹	عمر طولانی حضرت نوح
۳۹	طول عمر حضرت خضر
	در انتظار مولا
۴۰	طول عمر حضرت یونس
۴۱	طول عمر حضرت آدم
۴۲	طول عمر در نگاه معصومین (علیهم السلام)
۴۳	تاکی انتظار

بخش دوم:

۴۷	فصل هفتم
۴۷	چطور شما منتظر امامی هستید که وجود خارجی ندارد؟
۴۷	پاسخ سؤال
۴۸	داستان شیخ مفید وملاقات با امام زمان <small>علیه السلام</small>
۴۹	داستان آیت الله قمشهای
۵۰	بشارت
۵۱	داستانی از شیخ صدوق
۵۳	فصل هشتم - وظایف مردم در زمان غیبت

۸۴	ترقی قوای بدنی
۸۴	عقول و اندیشه کامل
۸۵	شمشیر کجا، سلاحهای اتمی و میکروبی کجا
۸۶	عدم بخل آسمان و زمین
۸۶	عدالت
۸۷	کی شود وقت ظهورت
۸۹	فصل دوازدهم - منتظران واقعی و دروغین
۸۹	انتظار و فطرت
۹۰	عشق و محبت به مولا
۹۱	تمرین عشق و تمکین ظهور
۹۲	چرا ما از قافله عشق عقب مانده ایم؟
۹۳	هم زبانی دل و دلدار
۹۵	حضرت امام زمان در ادعیه
۹۶	مهدی فی القرآن
۹۷	نگوییم: «انشاءالله آقا می آید و کارها را خودش درست می کند»؟!؟
۱۰۰	فضیلت منتظران
۱۰۱	خوشا به حال منتظران
۱۰۱	منتظران و حزب الله

۵۳	آگاهی و آمادگی
۵۵	کی خواهد آمد
۵۷	فصل نهم - امام زمان (عج) در آینه دلها
۵۸	حضرت آیت الله بهاء الدینی
۶۰	حضرت آیت الله سید علی شاهرودی
۶۴	مرحوم آیت الله مرعشی رحمة الله علیه
۶۴	آیت الله فاضل لنکرانی دامت ظله
۶۵	حضرت آیت الله مکارم شیرازی دامت برکاته
۶۵	برو آدم شو تا ما را ببینی، آقا به سراغت می آید
۶۷	دیدار با رائنده بیابان و عمل بر عهد با مهدی
۷۰	دیدار با مؤلف
۷۱	پرسش و پاسخ جناب مقدس اردبیلی (ره) و امام زمان (عج)
۷۳	حاضر و نظر بر اعمال
۷۳	دیدار امام راحل و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)
۷۷	فصل دهم - ویژگیهای حکومت حضرت مهدی (عج)
۷۸	برخی از ویژگیهای حکومت حضرت مهدی (عج)
۸۳	فصل یازدهم - مفهوم کلی انتظار از دیدگاه شیعه
۸۳	منشأ انتظار
۸۴	امنیت کامل

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

الحمد لله رب العالمين و الصلوة و السلام على سيدنا و نبينا ابوالقاسم

محمد و على آله الطيبين الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين»

و اما بعد خداوند سبحان و ذات مقدسه محمد و آل محمد (صلوات الله و سلامه اجمعين) را بی حد و حصر شاکر و سپاسگزارم که به این طلبه حقیر عاصی سراپا تقصیر، عنایت و مرحمت فرمود، تا بتواند اثری مورد نیاز روز، که مورد توجه و نیاز جامعه جوان کشورمان، خاصه طلاب عزیز و دانشجویان ارجمند باشد را جمع آوری و به رشته تحریر درآورد، و آن درد و بخش و دوا زده فصل می باشد. بخش اول اختصاص به این مطلب دارد که در پرتو رحمت و اسعه الهی که شمولیت آن خاص تمام بشر می باشد و به صورت دین در جوامع انسانی متجلی و جلوه گر گشته است و می توان با تمسک و چنگ زدن بر آن که بر دو پایه اصلی و ثقلین قرآن و عترت استوار است، به سعادت و کمال انسانی و مستعد روح بشر دست یافت، و اینکه دین اسلام مکتبی است که از آن به کاملترین ادیان یاد می شود و لذا ضرورت شناخت و کسب معرفت در رابطه با آن و ابعاد مختلف آن مستلزم اهتمام جدی و مطالعه، تحقیق و تدبیر در آیات قرآن کریم و روایات نورانی ائمه معصوم می باشد. در فصول بعدی به جدی بودن بحث شناخت امام اشاره می گردد، که همانا غفلت از شناخت، موجبات ظلمات و هلاکت را به بار خواهد آورد.

در فصول بعد به شناختی کلی و اجمالی از امام عصر خواهیم پرداخت و دیدگاهها و نظرات ادیان دیگر را نسبت به امر ظهور و فرج مولا بررسی خواهیم کرد. چگونگی ظهور، راز طول عمر، تبعیت از امام، ذکر چند داستان و امام زمان در آینه دلها، آشنایی با وظایف کلی انتظار و منتظران واقعی و دروغین و ذکر چند حدیث از دیگر مباحث مطروحه در کتاب مذکور است که به صورت اختصار به موارد اهم آن اشاره می‌نماییم و مطالعات عمیق‌تر و جدی‌تر را به عهده خوانندگان و تشنگان کوثر علم و شهد نوشان زلال معرفت الهی، می‌سپاریم.

به یقین اگر عنایات و الطاف و مراحم خاصه حضرت بقیه الله الاعظم (روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء) نمی‌بود، هرگز چنین توفیقی نصیب این کمترین نمی‌شد؛ ولی از آنجا که آن سرور انام و امام همام، کریم من اولاد الکرام، مظهر و مظهراتم و اکمل و «یامن بابه مفتوح للطالبین» است، این بار نیز فتح باب رحمت فرموده و بار خدمتگذاری داد تا این عبد عاصم به مصداق آیه «وکلبهم باسط ذراعیه بالوصید» بتواند سر ارادت بر آسمان ملک باستانش بساید و با «بضاعت مزجاة» به ساحت مقدسش عرض ارادتی بنماید و ران ملخی نزد سلیمان پیرد به راستی، در این زمانه آکنده از درد و رنج و محنت و بلا که هر کس رو به سویی نهاده و سر به تک روی و دل به عربده جویی سپرده است و در این هنگامه که بازار تحریف حقایق اصیل الهی گرم؛ و تهاجم فرهنگی علیه دین و اسلام عزیز رونق و رواجی روزافزون دارد.

پس بر علماء فضلاء، روشنفکران، دانشمندان، اساتید و محققان سختکوش، فرض است که مباحث روز را برای روشن نمودن اذهان بکر جوانان، مکتوب و به صفحه

پاسخ و نگارش درآورند، تا وجود نازنین حضرت بقیة الله الاعظم حجة ابن الحسن (عجل الله تعالی فرجه الشریف) که در توفیق شریفشان خطاب به شیخ مفید فرمودند: «انا غیر مهملین لمراعاتکم و لاناسین لذکرکم و...» (همانا ما رعایت شما را از یاد نمی بریم، چه در غیر این صورت سختیها و گرفتاریها بر شما فرود می آید و دشمنان، شما را ریشه کن کرده و از بین می برند.) بیش از پیش در قلوب مطهر و ارواح طیّب خواستاران معرفت و محبت و عشق و لایت طنین افکن شود.

بارها تو را با تمام وجود و از صمیم قلب حامد و شاکریم که پذیرش فرمایشات دربار این امرای کلام را بر قلب ما سهل و آسان فرمودی و ما را آنگونه قراردادی که کوله بار رجاء خویش را بر آستان این شمس طالعه دراندازیم و رحل اقامت جانهای خسته خویش را بر فناء (درگاه) این انجمه ظاهره بیفکنیم و با تمام وجود مصداق سخن حضرت امام محمد بن علی باقر العلوم الانبیاء و کاشف السرا و وصیاء باشیم که فرمودند: «اگر به شرق و غرب عالم همه بروید هرگز به علم صحیحی و درستی در دین اسلام دست نمی یابید، مگر آن علمی که از نزد ما آل محمد بیرون آید.» آری این رموز از جمله عواملی است که باعث می شود جوای اثری باشیم که به تبعیت از «کلامکم نور و امرکم رشد» باشد و بتواند مخاطبین واقعی آقا امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را حیاتی دوباره بخشد، تا بتوانند به سوالاتی که در جامعه و در محافل پیش می آید پاسخ قانع کننده ای ارائه نمایند و یاد لامک یحیی قلوبنا را در اذهان و افکار دوستان اهل بیت (علیهم السلام) زنده بدارد؛ لذا وجیزه حاضر را در حجمی موجز و مختصر که قابل مطالعه برای عموم باشد، به قلم تحریر درآوردیم. باشد که مرضی

بارگاه ذات اقدس الهی قرار گیرد. و قلب مولا بقية الله الاعظم از ما خشنود و راضی گردد. قضاوت در این باره که کتاب حاضر تا چه حد در بر آوردن نیازها موفق بوده. بر عهده خوانندگان محترم و دانشوران و محققان ارجمند است. و نگارنده انتظار دارد که از پیشنهادات و انتقادات این عزیزان سود جسته و در بیان معارف حقه اسلامی از آنها استفاده کند.

در پایان لازم است از همه کسانی که به نحوی در تالیف و نشر کتاب مؤثر بوده اند کمال تشکر و امتنان را داشته باشم، از جمله کارشناس هیات و معلم قرآن پسر عزیزم جناب آقای محمد ذکایی پور که زحمت طرح جلد، تصحیح و ویراستاری این مجموعه را بر عهده داشتند و همچنین از زحمات پسر عزیزم جناب آقای مهندس مهدی ذکایی پور کمال تشکر و سپاسگذاری را دارم.

اللهم عجل لوليک الفرج و العافیة و النصر و اجعلنا من انصاره و اعوانه.

یارب از دلهای ما مهر و محبت را مگیر

این تجمع، این تضرع، این ارادت را مگیر

هستی ما بستگی دارد به لطف اهل بیت

هر چه می خواهی بگیر اما امامت و ولایت را مگیر.

و ما توفیقی الا الله

و صلی الله علی محمد و آله

علی اکبر مغیشی پور (سبزواری)

مهرماه ۱۳۸۰ - مطابق با شعبان ۱۴۲۲

«این کتاب با وضو و رو به قبله مکتوب شده است.»

بقية الله فيركم ان كنتم مومنين (هود- ٨٤)

بخش اول

دين اسلام كاملترين اديان	فصل اول:
ضرورت شناخت دين و امام	فصل دوم:
شناختي كلي و اجمالي	فصل سوم:
ظهور امام زمان (عج) در قاموس اديان	فصل چهارم:
چگونگي ظهور امام عصر (عج)	فصل پنجم:
راز طول عمر امام عصر (عج)	فصل ششم:

فصل اول

دین اسلام کاملترین ادیان

دین مبین اسلام دینی است کامل، که هر روز با کشفیات و ابداعات دانشمندان و بزرگان و فضلاء و عالمان و محققین متعهد و دلسوز چهره جهانی اش آشکارتر و هویدا می‌گردد. بخصوص پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی با همت و فداکاری بزرگ مردی روشنفکر، استاد الفقهاء والمجتهدین حضرت امام خمینی (ره) و ادامه و استمرار آن راه توسط فرزند خلف ایشان، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (دامت برکاته) روزبه روز و هر آن، زوایای معرفتی آن بیش از پیش در جوامع و ملل اسلامی پرتوافکن می‌شود و حقایق کاربردی آن در گستره جهانی هر چه بیشتر به فعل و انتعاش می‌رسد.

دانشمندان و کارشناسان نیز مستقیم و یا غیر مستقیم اعتراف و اذعان می‌کنند که دین اسلام، دین کامل و جامعی است، و کتاب آسمانی قرآن، بدون اینکه دست بشر در جهت انحراف و تحریف آن خللی وارد کرده باشد به واقع پیام الهی بر قلب نبی مکرم اسلام در جهت هدایت تمامی خلق می‌باشد. مارکس منی دانشمند غربی می‌گوید: «قرآن فقط یک کتاب دینی و مذهبی نیست، بلکه کتاب آداب و نظام زندگی سیاسی، اجتماعی، فرهنگی است و راهنمای انسانها به وظایف روزانه خود در زمان حال و آینده است و فقه پویای آن، جامع و کامل است.»

اسلام تنها دینی است که پیروان خود را بدون راهنما و هادی و رهبر، رهبا نکرده است چنانکه در زمان حضور پیامبر گرامی اسلام هدایت و رهبری جامعه مسلمین بدست توانا و با کرامت آن حضرت بود و بعد از پیغمبر (ص) از جانب خداوند متعال در محلی به نام غدیر خم با خطبه غراء و توانای آن حضرت به وصی، ولی و جانشین بر حق خود یعنی حضرت اسدا... الغائب، حیدر کرار، ولی... و یعسوب الدین حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام محول شد و آیات شریفه براین حقیقت گواهند که «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک فان لم تفعل فما بلغت رسالته و الله یعصمک من الناس ان الله لا یهدی القوم الکافرین»^(۱) و نیز (الیوم اکملت لکم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دینا»^(۲) (یعنی امروز نه دیروز دین تو را کامل کردم و تمام نعمتهایی که لازم ملزوم بود به تو دادم و دین اسلام را دین رسمی تو قرار دادم).

البته در این آیه شریفه سه نکته جالب، جامع و قابل ذکر بیان شده است که: اول اینکه می‌گویند «الیوم» یعنی از امروز نه گذشته و دیروز، دین تو را کامل کردم یعنی تا امروز کامل نبود.

دوم اینکه کلمه «اتممت» یعنی تمام نعمتها را به تو دادم

و سوم اینکه رسماً دین تو را دین اسلام اعلام نمودم.^(۳)

۱- سوره مبارکه مائده / آیه شریفه ۶۷

۲- سوره مبارکه مائده / آیه شریفه ۳

۳- استاد شیخ حسین انصاریان

و پس از مولا امیرالمؤمنین عقی نقی، یازده ستاره درخشان و تابناک، رهبری جامعه اسلامی را به عهده داشته و دارند که همه از جانب خداوند متعال، حسب آیات و روایات متعدد، انتخاب و تعیین شده‌اند.

فصل دوم

ضرورت شناخت دین و امام

اینک پس از گذشت ۱۴۰۰ سال واندی از ظهور اسلام عزیز، مسلمانان به اتفاق بر یگانگی ذات احدیت، کتاب الهی قرآن و قبله واحد معتقدند، و در هر زمان مجد و عظمت اسلام عزیز را در کلیه امور خواستارند. چرا که «ان الدین عند الله الاسلام»^(۱) و «و من یتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الاخره من الخاسرین»^(۲) یعنی هر کس خود را از این موهبت و فیض عظیم الهی محروم ساخت حاصلی جز خسران و حسرت ابدی نخواهد یافت (خسر الدنیا و الاخره). لذا بر همه مسلمانان فرض است که در پرتو این رحمت الهی و این مکتب استوار که راهنما و هادی تمامی بشر است (هدی للناس)، پیشاپیش به دانش و بینش وسیع تری به این دین مبین دست یابند و بسا به کاربردن اصول و مبانی، روشنگریها، رهنمونها، احکام و آداب زندگی به سعادت و کمال دنیوی و اخروی دست یازند و قله های شرف و اقتدار انسانیت را بر فراز بام های جهان فتح نمایند و پرچم سربرافراشته اسلام را در پناه حق و در سایه وحدت، تحت لوای ولی امر خود به اهتزاز در آورند؛ آنچنانکه بتوانند جوابگوی عقل و خرد خود در

۱- آل عمران / آیه شریفه ۱۹

۲- آل عمران / آیه شریفه ۸۵

قدم اول و در وهله بعد پاسخگوی موذیان و شبهه اندازان در دین باشند.
(اللهم اجعلنی من المرحومین و لا تجعلنی من المحرومین).^(۱)

شناخت و معرفت اولیای امر و جانشینان حق و بالاخص ولی عصر و امام زمان خود نیز حق واجب است که برگردۀ مومنین طالب حق و عدالت سنگینی می نماید. چراکه در احادیث و روایات آمده است که مرگ، بدون شناخت امام، موتی جاهلی و غرق در دریای ظلمت و گمراهی است. چنانکه حضرت امیرالمومنین علیه السلام علی فرمودند: «هرکه را خداوند به برکت ولایت من و پسرانم گرامی بدارد از عقبه (گردنه) گذشته است و ما آن گذرگاهی هستیم که هرکس داخل آن شود نجات می یابد.»^(۲)

۱- ادعیه روزانه ماه مبارک رمضان

۲- بحارالانوار ج ۶۵ / ص ۱۴۳

فصل سوم

شناختی کلی و اجمالی

شناختی کلی و مختصر از حضرت امام زمان (روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء) در ادامه خواهد آمد. مطالعه و مذاقه ظریفتر در کتب مربوطه آمده است.

ولادت و امامت

امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در سپیده دم روز جمعه پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامره پایتخت عباسیان قدم به گیتی نهادند. دوران امامت ایشان از سال ۲۶۰ هجری می باشد؛ در حالیکه تنها پنج سال از عمر شریفشان می گذشت، پدر بزرگوارشان بدست سفاک زمان، خلیفه به ناحق وقت، معتصم عباسی به شهادت رسیدند و پس از اینکه عموی ایشان به نام جعفر کذاب خواست بر پیکر مطهر امام نماز بگذارد؛ لکن حضرت به امر پروردگار مانع از نماز ایشان شدند و خود بر پیکر مبارک پدر، نماز خواندند. و از آن پس امامت امت اسلام را بر عهده گرفتند و اکنون در انتظار فرمان الهی برای ظهور و نجات بشریت به سر می برند.

پدر و مادر حضرت

پدر بزرگوار ایشان حضرت امام حسن عسکری علیه السلام یازدهمین ستاره درخشان آسمان ولایت و امامت می باشند که خلیفه وقت، ایشان را در نزدیکی پادگانی حصر نموده بود تا مانع از فعالیت‌های مذهبی و فرهنگی و اجتماعی و سیاسی امام علیه السلام شود. مادر ارجمند ایشان بانوی نیکوسیرت و نیکو صورت، نرجس خاتون می باشد که نرجس دختر یوشعا پسر قیصر روم و از نسل شمعون، یکی از حواریون حضرت عیسی علیه السلام است. هنگامیکه نرجس خاتون در روم بودند، خوابهای الهام بخشی می دیدند؛ اولین بار پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و حضرت عیسی علیه السلام را در خواب دیدند که او را به عقد و ازدواج حضرت امام حسن عسکری علیه السلام درآوردند و در خواب دیگری به دعوت حضرت صدیقه طاهره، بی بی دو عالم حضرت زهرا، سیده النساء العالمین مسلمان شدند. اما به لحاظی اسلام خود را پنهان داشتند و به کسی آنرا ابراز و اعلام نمی کردند.

نرجس خاتون شبی نبود که وجود مبارک امام حسن عسکری علیه السلام را در خواب نبیند. شبی امام حسن عسکری علیه السلام به نرجس خاتون گفتند: «جد تو بزودی لشکری را به جنگ مسلمین خواهد فرستاد و خود نیز فرماندهی لشکر را به عهده خواهد گرفت و ما هم از تو می خواهیم با لباس خدمتگزاران به همراه عده‌ای از کنیزان، از فلان راه به آنها ملحق شوی و از پی جد خود روانه شوی و از فلان راه رفته تا ما به تو برسیم. ایشان چنین کردند و در مرز سپاه او را همراه چند نفر به اسارت گرفتند، بی آنکه بدانند او کیست و از چه خانواده‌ای می باشد. او را

همراه سایر اسیران به بغداد بردند تا بصورت برده بفروشند. فرستاده امام هادی علیه السلام نامه‌ای را که امام علیه السلام به زبان رومی نوشته بودند، به نرجس رساندند و ایشان را از برده‌فروش خریداری نموده و به سامرا نزد امام هادی علیه السلام آورد. امام خوابهای نرجس را به او یادآور شدند و به ایشان ندا دادند که همسر امام یازدهم حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و مادر فرزند من است که زمین را پر از عدل و داد خواهد ساخت. پس از تعلیم به دین مبین اسلام توسط حکیمه خانم عمه امام زمان و تعویض و تعیین اسم ایشان از ملیکا به نرجس خاتون و آداب و آموزش نماز و قرآن به عقد و ازدواج حضرت درآمد.

غیبتهای حضرت

از فرمایشات پیغمبر اکرم و معصومین (سلام الله علیهم اجمعین) چنین استنباط می‌شود که حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) دو غیبت دارند، غیبت صغری و غیبت کبری.

غیبت صغری از پنج سالگی تا سال ۳۲۹ هجری حدود ۶۹ سال طول کشید و پس از آن در غیبت کبری (حدود ۱۱۷۰ سال) بسر می‌بریم.

نواب حضرت

در مدت شصت و نه سال که غیبت صغری حضرت در حال تحقق بود، چهار عالم مجتهد والا مقام و جامع شرایط به امر الهی و دستور امام زمان

(عجل الله تعالى فرجه الشريف) به نام سفیر یا نایب خاص به نمایندگی و وکالت از طرف ایشان عهده‌دار امامت و رهبری شیعیان شدند که مسایل و مشکلات مسلمانان و شیعیان را با امام در میان می‌گذاشتند و جواب دریافت می‌کردند. این چهار عالم جلیل‌القدر عبارت بودند از: فقیه و مجتهد عالیقدر حضرت «عثمان بن سعید العمری الاسدی» فقیه و مجتهد عالیقدر حضرت «محمد بن عثمان العمری» فقیه و مجتهد عالیقدر حضرت «حسین بن روح نوبختی» و فقیه و مجتهد عالیقدر حضرت «علی بن محمد سمري» آخرین سفیر خاص امام (عجل الله تعالى فرجه الشريف) بود که به امر امام و معرفی حسین بن روح انتخاب گردید. پس از آنکه مدت عمر او به سرآمد، در بستر بیماری افتاد. شیعیان از وی خواستند تا جانشین بعد از خود را معرفی نماید ولی ایشان جواب دادند امام زمان (عجل الله تعالى فرجه الشريف) فرموده‌اند که غیبت کبری فرارسیده است و به امر خداوند نایب خاص از این پس نخواهد بود و نخواهد داشت و مردم می‌توانند به علمای ربانی و مورد اطمینان زمان خود مراجعه نمایند. این علما باید کسانی باشند که به علم خود عمل نموده و حافظ دین اسلام و پیرو مکتب واقعی قرآن کریم و رسالت پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام بوده و باشند. بنابراین همه این کسانی که به عنوان نایب امام زمان علیه السلام از آنان نام برده می‌شود، نایب عام حضرت می‌باشند. در آخرین روزهای عمر سمري آخرین نایب خاص امام، نامه‌ای از ناحیه مقدسه امام زمان علیه السلام در مورد غیبت کبری صادر شد که در آن آمده بود:

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

«ای علی بن محمد سمري، خداوند پاداش و اجر برادرت را در مرگ تو بزرگ گرداند. تا شش روز ديگر خواهی مرد. پس به کارهای خود رسیدگی نما و هیچکس را به عنوان جانشین خرد وصیت مکن زیرا غیبت کبری فرا رسیده است. من ظاهر نمی شوم مگر بعد از اجازه خداوند؛ و این اجازه بعد از گذشتن زمان، سخت شدن دلها و پرشدن زمین از ظلم و ستم خواهد بود.»^(۱)

فصل چهارم

ظهور حضرت مهدی (عج) در قاموس ادیان

در این فصل به اختصار نظر ادیان و مذاهب مختلف را در رابطه با اعتقاد به ظهور مصلح در آخرالزمان بیان می‌نماییم:

۱- هندویان

در کتاب «دید» که نزد هندویان از کتب آسمانی است، چنین آمده است: «پس از خرابی دنیا پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلاق باشد و نام او منصور باشد و تمام عالم را بگیرد و به دین خدا درآورد و مؤمن را از کافر بشناسد و هرچه از خدا خواهد برآید.

و در منابع هندوها در کتاب «اوپانیساد» ص ۷۳۷ مطرح شده است: «مظهر ویشنو (مظهر دهم) در انقضای کلی یا عصر آهن، سوار بر اسب سفید، در حالیکه شمشیری برهنه و درخشان به صورت دنباله‌دار در دست ظاهر می‌شود و شریان (را) تماماً هلاک می‌سازد و خلقت را از نو تجدید و پاکی را رجعت خواهد داد. این مظهر دهم در انقضای عالم ظهور خواهد کرد.»^(۱)

۲- مسیحیان

در آیین مسیحیت درباره ظهور موعود در آخرالزمان اشاراتی شده است. اشاراتی در انجیل متی و لوقا و مرقس و برنابا و مکاشفات یوحنا آمده است که در انتظار حضرت عیسی مسیح علیه السلام به سر می‌برند. در «انجیل لوقا» در فصل ۱۲ بندهای ۳۵ و ۳۶ نقل شده است که: «کمرهای خود را بسته، چراغهای خود را افروخته بدارید، و شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود را می‌کشند، که چه وقت از عروسی مراجعت کند. تا هر وقت آید و در را بکوبد و بی درنگ برای او باز کنند؛ خوشا به حال آن غلامان که آقا و مولای ایشان چون آید، ایشان را بیدار یابد. پس شما نیز مستعد باشید زیرا در ساعتی که گمان نمی‌برید پسرانسان می‌آید.»

۳- یهودیان

یهودیان که خود را پیروان حضرت موسی علیه السلام می‌دانند در تورات اشعیا نبی‌اشان در فصل ۱۱ بندهای ۱ تا ۱۰ نقل شده است: «نهالی از تنه یسی (۱) بیرون آمده؛ شاخه‌ای از ریشه‌هایش خواهد شکفت؛ تا روح خدا بر او قرار گیرد؛ که مسکینان را به عدالت داوری کند؛ و مظلومان زمین را به راستی حکم کند و گریه با بره سکونت کرده و پلنگ با بزغاله می‌خوابد و گوساله و شیرپروری با هم؛ و طفل کوچک آنها را خواهد راند. پس در تمامی کوه مقدس من، ضرر و فساد

۱- بنابه نوشته قاموس مقدس ص ۹۵۱ یسی به معنی قوی نام پدر حضرت داوود میباشد.

دیده نشود، زیرا که جهان از معرفت خداوندی پر خواهد شد.» در سفر تکوین «تورات» چنین آمده است: «و در حق اسماعیل (دعای) تو را شنیدم. اینک او را برکت داده‌ام و او را بارور گردانیده، به عنایت زیاد خواهم نمود و ۱۲ سرور تولید خواهم نمود و او را امت عظیمی خواهم نمود.»

۴- زرتشتیان

در کتاب «جاماسب» شاگرد زرتشت آمده است: مردی بیرون آید از زمین تازیان، از فرزندان هاشم و... و بر دین جد خویش بود، با سپاه بسیاری روی به ایران نهد و آبادان کند و زمین را پر از داد (عدل) کند و از داد وی باشد گرگ با میش. و باز در جاماسب نامه، صفحه ۱۲۱ نقل شده: «سوشیانت (نجات دهنده بزرگ) پس از ظهور، دین را به جهان رواج خواهد داد، فقر و تنگدستی را ریشه کن کرده و ایزدان را از دست اهریمن نجات داده و مردم جهان را همفکر و همگفتار و هم‌کردار می‌گرداند.»

۵- اسلام

و اما دین مبین اسلام در مکتبی امیدبخش، مسلمانان جهان را در انتظار موعود و سرورشان حضرت مهدی (ارواحناالتراب مقدمه‌الفداء) می‌داند؛ در این باره در قرآن کریم می‌خوانیم: «و نرید ان نمین علی‌الذین استضعفوا فی الارض و نجعلهم ائمه و نجعلهم الوارثین» (اراده کردیم که بر مستضعفان (خداپرستانی که

زیر بار ستمگران ناتوان شده‌اند) منت نهیم و آنان را پیشوا و وارث زمین سازیم. (۱)
 از میان صدها روایت که در کتابهای شیعه آمده است، به یک نمونه اشاره
 می‌نماییم: امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «ظهور و قیام امام روی نخواهد
 داد، مگر بعد از آنکه همه گروهها (مکاتب بشری) بر مردم حکومت کرده باشند تا
 کسی نگوید، اگر ما حکومت می‌کردیم به عدالت رفتار می‌نمودیم سپس قائم به
 حق و عدالت قیام فرمایند.» (۲)

در روایات اهل سنت حدود شش هزار روایت از پیامبر و پیشوایان معصوم
 اشاره به علائم و ظهور و وجود حضرت امام زمان (عج) وجود دارد.
 از میان صدها روایت که در کتابهای متعدد آمده است تنها به دو نمونه اشاره می‌گردد.
 پیامبر ﷺ فرمودند: «قیامت برپا نمی‌شود تا آنکه مردی از خاندان من امور اداره
 دین و سیاست را در دست گیرد که اسم او، اسم من است.» (۳)
 و نیز از رسول الله نقل شده است که فرمودند: «مردم! بشارت باد بر شما فرج
 «مهدی» (عج) چون وعده خدا تخلف پذیر نیست و حکم او برگشت ندارد و او
 حکیم و آگاه است و به راستی فتح الهی نزدیک است.»
 به امید آن روز که ظلم و جور ریشه کن گشته و جای خود را به عدل و حق و
 حقیقت دهد.

منتظران را به لب آمد نفس ای شه خوبان تو به فریاد رس

۱-سوره مبارکه قصص / آیه شریفه ۵

۲-سند احمد بن حنبل ج ۱ / ص ۲۷۶

۳-پیشوای دوازدهم / ص ۲۳

فصل پنجم

چگونگی ظهور

ظهور ایشان در روز جمعه‌ای که ذات اقدس الهی صلاح بدانند، در بیت‌الله الحرام روی خواهد داد. و تکیه بر کعبه زده و می‌فرماید: «ونريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمة و نجعلهم الوارثين.»
و سپس می‌فرماید: «بقية الله خير لكم ان كنتم مومنين.»^(۱) وانا بقية الله و من حجت و نماینده او در زمین بر شما مردم و مومنین می‌باشم.

تعداد یاران امام زمان (علیه السلام)

تعداد یاران آن حضرت را ۳۱۳ نفر از مریدان و یاران خالص آن حضرت برمی‌شمارند. و حضرت عیسی عليه السلام نیز در رکاب آن حضرت خواهد بود. طبق روایات تعداد زیادی از یاران آن حضرت ایرانی هستند و محل حکومت آن حضرت بین ایران و کربلا خواهد بود.^(۲)

۱-سوره مبارکه هود / آیه شریفه ۸۶

۲-استاد شیخ حسین انصاریان

سنگینی بار انتظار

سنگینی بار انتظار بر پشت ما سنگینی یک سال و دو سال نیست، سنگینی یک قرن و دو قرن نیست، حتی از زمان تودیع یازدهمین خورشید نیست؛ تاریخ انتظار و شکیبایی ما به آن ظلم که به عاشورا بر ما رفته است برمی گردد. به آن تیرها که از کمان قساوت برخواست و بر گلوی مظلومیت نشست. به آن جنایتی که دست و پای مردانگی را برید و به آن سُم اسبهای کفر که ابدان مطهر توحید را مشبک کرد. از آن زمان تا کنون ما به آب حیات انتظار، زنده ایم. انتظار ظهور منتقم خون حسین ثارالله. (أین الطالب بدم المقتول بکربلا).

تاریخ استقامت ما از آن دورتر می رود؛ از عاشورا می گذرد و به بعثت پیامبر ﷺ می رسد. هم او که در مقابل طوفان جهل، ظلم، کفر، شرک، عناد و فساد که جهان آن زمان را پوشانده بود، و خنده می فرمود که کسی خواهد آمد، نامش نام من، کنیه اش کنیه من، لقبش لقب من و دوازدهمین وصی من خواهد بود. و جهان را از توحید و یگانگی، عدل و داد، و عشق و محبت پر خواهد نمود. اما تاریخ صبر انتظار ما به دورتر برمی گردد؛ به مظلومیت و تنهایی عیسی روح الله و به غربت موسی کلیم الله، به استقامت نوح نبی الله، به یتیم ابراهیم خلیل الله. و از همه اینها گذر می کند تا به مظلومیت هابیل در مقابل قابیل می رسد. انتظار بر بردباریها را وسعتی است از قابیل تا کنون، و تا برخواستن فریاد جبرئیل در زمین و آسمان که مژده ظهور امام زمان علیه السلام را می دهد.

آری و در آن زمان، هستی حیات خواهد یافت و عشق، پر و بال خواهد گرفت

و مظلومان زمین بر ظالمان پیروز و فائق خواهند آمد و در رگهای خشکیده عالم، خون تازه دمیده خواهد شد. پشت هیولای ظلم و جهل با خاک انس جادوان نخواهد گرفت. شیطان و شیطان پرستان و شیطان صفتان خلع سلاح خواهند شد. انسان بر مرکب رشد خواهد نشست. و عروج رازمزه خواهد نمود. به امید آن روز که دیده‌های حق و حقیقت به جمال نورانی ایشان روشن و متورگردد. انشاءالله.

فصل نهم

راز طول عمر امام عصر علیه السلام چیست؟

از زمانیکه مسأله تشکیل حکومت عدل جهانی به دست توانای فرزندان بزرگوار امام حسن عسکری علیه السلام در جهان اسلام مطرح شده است، پرسشهای زیادی از طریق مکاتب مختلف، با هدف تحقیق و یا بعضاً تخریب و تخطئه، مطرح گردیده است.

امروز، از جمله سؤالاتی که در این زمینه بیشتر مورد توجه محافل مختلف می باشد، مسأله طول عمر امام زمان علیه السلام است. در این باره گفته می شود با توجه به این واقعیت که زمان ظهور آن حضرت مشخص نیست. و از زمان تولد ایشان تا به امروز بیش از ۱۱۶۷ (با احتساب زمان فعلی سال ۱۴۲۲) سال می گذرد. و شاید تا سالیان متمادی دیگر هم ادامه داشته باشد. این سؤال پیش می آید که یک فرد چگونه می تواند این همه سال زنده باشد. به این پرسش، با در نظر گرفتن دستاوردهای علوم و فنون مختلف پاسخهای گوناگون داده شده است. یعنی با توجه به پیشرفتهای علمی و تحقیقاتی انجام شده در علوم زیست شناسی و از طریق اصول پذیرفته شده در علوم عقلی و نقلی و همینطور با توجه به پرسشهای مربوط به رخدادهای تاریخی و دستاوردهای باستان شناسی و غیره به این پرسش، پاسخ داده اند. که هر یک از آنها در نوع خود بسیار ارزشمند و قابل

تقدیر است. لیکن تلاش این گفتار آن است که به این سوال با توجه به مطالب موجود در متون اصیل اسلامی یعنی قرآن و روایات پاسخی هر چند مختصر ارائه نماید.

چگونگی زندگی امام عصر علیه السلام

به کسانی که در حقانیت دین اسلام شبهاتی دارند، باید پاسخی با استفاده از دست آورده‌های علمی چون زیست‌شناسی و واقعیت‌های تاریخی و براهین فلسفی عقلی و نقلی داده شود. در هر حال حقیقت آن است که از مطالعه و بررسی اخبار مربوط به ابعاد مختلف زندگی حضرت صاحب‌الامر به خوبی معلوم می‌شود که نوع زندگی آن حضرت یک امر متعارف و عادی چون زندگی سایر افراد بشر نیست، بلکه از ویژگی خاصی برخوردار است. لکن معنی این حرف آن نیست که این مسأله با توجه به قانون کلی حاکم بر حیات انسان یک امر غیر ممکن و محال محسوب شود. بنابراین هیچ ایرادی وارد نیست که فردی با خواست و عنایت ذات اقدس اله که بر طبق جهانبینی اسلامی از قدرت مطلقه برخوردار است، هزاران سال عمر کند.

شواهدی از طول عمر در قرآن

در قرآن کریم، ضمن اشاره به قدرت لایزال و بی‌منت‌های خداوند در این زمینه آمده است: «الحمد لله فاطر السموات والأرض جاعل الملائكة رسلاً أولى اجنحة

مثنی و ثلاث و رباع یزید فی الخلق ما یشاء ان الله علی کل شیء قدیر»^(۱)
(سپاس خدایی را که پدید آورنده آسمان و زمین است و فرشتگان که بالهای
دوگانه و سه گانه و چهارگانه دارند را پیام آورنده قرار داده است و در آفرینش و
هرآن چه بخواهد می افزاید زیرا خدا بر هر چیز تواناست).
در خود قرآن نیز به نمونه هایی از عمر طولانی اشاره شده و از امکان زنده
ماندن تا روز قیامت سخنی به میان آمده است. و در این باره تنها به دو سه آیه اکتفا می شود:

عمر طولانی حضرت نوح علیه السلام

«و لقد ارسلنا نوحاً الی قومه فلبث فیهم الف سنة الا خمسين عاماً فاخذهم
طوفان و هم ظالمون» (به راستی نوح را به سوی قومش فرستادیم. پس در میان
آنها نهصد و پنجاه سال درنگ کرد، تا طوفان، آنها را در حالیکه ستمگر بودند فرا
گرفت)^(۲) البته این مدت مربوط به قبل از جریان طوفان مربوط است.

طول عمر حضرت خضر علیه السلام

هم چنین در رابطه با حضرت خضر پیغمبر نیز سالهای طولانی، خداوند
ایشان را طول عمر داد و آیات همه حاکی از آن است که ذات حق تعالی هرکاری
که خواسته باشد، می تواند انجام دهد «و هو علی کل شیء قدیر» است. و یا توجه

۱- سوره مبارکه فاطر / آیه شریفه ۱

۲- سوره مبارکه عنکبوت / آیه شریفه ۱۴

به مضمون این قبیل آیات و روایات برای یک مسلمان معتقد به قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام هیچگونه شبهه‌ای باقی نمی‌ماند که زندگی طولانی داشتن حضرت صاحب‌الامر علیه السلام یک خواست الهی و معنوی است و تا زمانی که خداوند مقدر و مقرر کرده است، ایشان زنده خواهد بود؛ تا در موعد مقرر قیام کرده و یک نظم واحد و عادلانه جهانی را براساس احکام نورانی اسلام ناب محمدی برپا نماید؛ و ایرادات ناشی از جهل و عناد منکرین اصول مذهبی، کوچکترین تزلزلی در اعتقاد راسخ مومنان واقعی در این زمینه ندارد و بنا بر این مسأله طول عمر جزو مسایل اسلام است که ما چند آیه ذکر نمودیم.

طول عمر حضرت یونس علیه السلام

در مورد حضرت یونس نیز می‌فرماید: «و ان یونس لمن المرسلین فالتقۃ الموت و هو ملیم فلولا انه کان من المسیحین للبت فی بطنۃ الی یوم یبعثون.»^(۱) (یونس از جمله پیغمبران بود که ماهی او را بلعید؛ در حالیکه او نکوهش‌گر خود بود. اگر او از جمله تسبیح‌کنندگان نبود قطعاً تا روز قیامت در شکم آن ماهی زنده می‌ماند) و داستان او بطور خلاصه به این صورت بود که وقتی قوم او نافرمانی کردند و اطاعت بندگی ذات باری تعالی را نپذیرفتند بر آنها غضب کرد و از آنان قهر نمود. به سمت کناره دریا آمد و از طرف خداوند کوسه ماهی‌ای، مامور شد و

او را بلعید، و آنگاه که خود را در زندان تنگ و تاریک دید به تنهایی ذکر و توبه و انابه پیشه آورد. خداوند بزرگ او را دوباره به سوی قوم خویش برگرداند. و شاهد مثال ما ذکر زنده ماندن او در شکم ماهی تا روز قیامت است.

طول عمر حضرت آدم عليه السلام

در رابطه با حضرت آدم آن هنگام که ذات الهی به ملائکه فرمودند: من می خواهم خلیفه و جانشین خود را بر روی زمین خلق نمایم و شما باید همه ایشان را سجده کنید (انسان را) ملائکه گفتند: پروردگارا می خواهی کسی را بگماری که فساد کند و روی زمین خونها بریزد و حال آنکه ما خود ترا تسبیح و تقدیس می کنیم خداوند به آنها فرمود: من می دانم چیزی از اسرار خلقت بشری را که شما نمی دانید؛ من می دانم و پیش من است و ایشان نیز مدت های زیادی زنده بودند و طول عمر داشتند. (۱)

از فرضیه های علمی که عمل شده و تحقق پیدا نموده است این است که روزی فرا خواهد رسید که شکل طول عمر انسان حل شود و می توان بشر را مدت مدیدی زنده نگاه داشت. آنگاه ما خواهیم گفت این قرآن بود که چهارده قرن قبل گفته بود: نوح پیغمبر پانصد و پنجاه سال قبل، زندگی کرده است. مسأله طول عمر در قرآن از فرضیه هایی است که یکی یکی و به دنبال هم، صورت تحقق پیدا کرده

است و انشاءالله ادامه آن نیز تحقق پیدا خواهد کرد. علی ای حال این امر ولو آنکه از دید ما که عادت به حد خاصی از زندگی داریم غیر متعارف باشد، لیکن با توجه به قدرت مطلقه و لایزال الهی امر محال و غیر ممکن به حساب نمی آید. وانگهی در روایات مربوط به زندگی آن بزرگوار تعبیری به کار رفته است که به صداقت، خبر از طولانی بودن عمر آن حضرت می دهد.

طول عمر در نگاه معصومین علیهم السلام

از آنجاییکه خبر از وقوع این حقیقت در سخنان معصومین وارد شده است بدون هیچ دغدغه‌ای می توانیم به آن یقین پیدا کنیم. از جمله امام صادق علیه السلام رئیس و مؤسس مذهب جعفری فرمودند: «ان القائم مناغیته بطول امدها و...» برای قائم ما اهل البیت دوره معینی است که مدت آن زیاد است. (۱)

سعید بن جبیر می گوید: «از امام سجاد علیه السلام شنیدم که آن حضرت فرمودند: «فی القائم من سنن الاسنه من آدم و سنه من نوح و... فاما آدم و سنتی.» آنچه که از (شبهات) آدم و نوح در امام زمان وجود دارد آن است که همانند آن دو بزرگوار عمر طولانی خواهد داشت. (۲) «۲۰»

همین طور، از امام حسین عسکری علیه السلام احمد بن اسحاق نقل کرده است که آن

۱- بحار ج ۵۱ / ص ۱۴۲

۲- بحار ج ۵۰ / ص ۵۵

حضرت فرمودند: « مثل فرزند من، همچون خضر و ذوالقرنین است. ^(۱) » (۲۱) که می‌دانیم وجه اشتراک درزندگی این دو تن با حضرت امام زمان همان طولانی بودن عمر است.

تاکی انتظار

ای صبح آرزو زگریبان شب، بتاب
عمرم به سر آمد ای توتیای چشم خود، بتاب
عمری بود که دیده و دلها سوی توست
بوئیده‌ام تمامی گلهای باغ را، بتاب
هرگز نداشت هیچ گلی رنگ بوی تو
در جام ما بریز از آن باده وصل خود، بتاب
خلق حسن تو را بود و خوی احمدی
ای مظهر تجلی حق و حقیقت، بتاب
عمرم تمام گشت و نشد وصلت حاصلم
باریک گشته رشته عمر من، بتاب
یابن‌الحسن امام زمان مُردم از فراق
کی می‌رسم به رؤیت رویت، بتاب
در شام انتظار تو مویم سفید شد
از کعبه کی طلوع می‌کند شمس من، بتاب

و نريد ان نمن على الذين استضعفوا في الارض و نجعلهم ائمة
و نجعلهم الوارثين (قصص - ٥)

بخش دوم

چطور شما منتظر امامی هستید که وجود خارجی ندارد؟	فصل هفتم:
وظایف مردم در زمان غیبت	فصل هشتم:
امام زمان در آینه دلها	فصل نهم:
ویژگیهای حکومت حضرت مهدی (عج)	فصل دهم:
مفهوم کلی انتظار از دیدگاه شیعه	فصل یازدهم:
منتظران واقعی و دروغین	فصل دوازدهم:

فصل هفتم

چطور شما منتظر امامی هستید که وجود خارجی ندارد؟

آنچه مورد پرسش از نسل جوان، توسط دشمنان است، این است که چطور شما منتظر امامی هستید که وجود خارجی ندارد و حدود هزار و شصت و اندی سال است که از غیبت ایشان می‌گذرد و هر روز و شب شما در انتظار او هستید. مثل این است که شما پول نقد در بانک دارید، اما بلوکه شده است و نمی‌توانید از آن استفاده کنید. و یا گنجی است که بدست آورده‌اید اما اجازه خرج کردن آن از آن را ندارید و یا وارد باغ پرمیوه‌ای شده‌اید و لکن حق خوردن از آن را ندارید و یا... پس برای چه منتظر هستید و چه سودی برای شما دارد.

پاسخ سوال

الف - باید گفت اولاً آنطور که شما می‌گویید نیست. زیرا ثبات زمین، آسمان و تنظیم شب و روز پس از اراده خداوند متعال به عهده امام زمان علیه السلام است و در همه گرفتاریها، این حجت الهی وجود مقدس امام زمان علیه السلام است که به فریاد می‌رسند و مشکلات را حل و فصل می‌نمایند. و این امر چه در گذشته و چه در حال توسط عالمان ربانی و نواب عام که مورد توجه آقا باشند صورت پذیرفته و خواهد پذیرفت. به عنوان مثال:

داستان شیخ مفید و ملاقات با امام زمان علیه السلام

در زمان علامه و استاد الفقها شیخ مفید نزدیک به سی مورد دستورالعمل، آقا ولی عصر علیه السلام برای ایشان دادند؛ از جمله موردی که وقتی مردی همسرشان در حال وضع حمل بوده و در اثر فشار زیاد فوت کرده بود، شنیده شده بود، نوزاد تا مدتی در رحم مادر زنده می ماند به حضور شیخ شرفیاب شدند تا فتوا برای شکافتن شکم همسرش را دریافت نماید. شیخ دستور داد: «خیر او را همراه با فرزندش دفن کنید. مرد ناامید شد. چون هم زن را از دست داد و هم بچه را، زمانیکه برمی گشت، در میانه راه که می آمد با خود زمزمه می کرد: «ای کاش بچه ام زنده می ماند و من تنها نمی ماندم.» ناگهان از پشت سر صدای پای اسب راشنید، برگشت و دید که آقای بزرگواری بر اسب سوار است. گمان کرد شیخ است که بدنبال ایشان آمده است. آقا فرمودند: ناامید مباش برو و شکم زنت را بشکاف؛ بچه زنده است. مرد خوشحال شد به منزل رفت و شکم زنتش را شکافت و بچه را زنده یافت و خوشحال گشت. بعداً از شیخ تشکر کرد و شیخ از موضوع اظهار بی اطلاعی کرد و بعد مشخص شد که آن شخص امام زمان بوده است. بعد از آن، شیخ مدتی فتوا نداد و در منزل نشست. لکن امام زمان طی نامه ای به ایشان نوشتند: «یا شیخ تو فتوا بده و از ما استعانت کن و من پاسخ خواهم داد.» و شیخ هم اطاعت کرد.

علیهذا در هر زمان نیز اتفاقات زیادی چه در جنگ تحمیلی و چه در داخل و تصمیمات مهمی که از طرف امام عزیزمان گرفته می شد، یقیناً بدون ارتباط و دستورگرفتن از آقا نبوده است، کما اینکه ایشان می فرمودند: «صاحب این مملکت و پرچم آن امام زمان است.»

داستان آیت الله قمشهای

مورد دیگر از آیت... الهی قمشهای نقل می‌کنند که: از طریق کویت عازم مکه معظمه بودند. چون وسیله نقلیه ماشین عبوری بود و نزدیک بود نماز آقا قضا شود، به راننده گفت: بایستید تا نماز بخوانم، اما راننده از نگهداشتن ماشین امتناع ورزید. آقا اجباراً تنها پیاده شد. و نماز را به جا آوردند و بعد مشاهده می‌نمایند که هوا تاریک می‌شود و دیگر وسیله‌ای نیست و احتمالاً تنها ماندن در صحرای برهوت، بدون آبادانی، حتمی است. آنجا متوسل به ذات احدیت و آقا امام زمان می‌شوند و چون یقین داشتند عملی را که انجام داده برای رضای خدا بوده است، خداوند او را توسط ولیش یاری می‌کند و در یک لحظه می‌بیند آقای بزرگواری با ماشین ایستاده و با اسم به ایشان فرمود: بیا سوار شو تا تو را به همراهانت برسانم. می‌گوید بلادرنگ سوار شدم و طولی نکشید به آن وسیله اولی رسیدم. در حالیکه آنها نیز برای استراحت ایستاده بودند. از ماشین پیاده شدم. خواستم از ایشان تشکر کنم، دیدم هیچ اثر و آثاری از ایشان و ماشین نیست. آنجا بود که فهمیدم مولا و آقایم امام زمان بوده‌اند و با خود گفتم ای دل غافل، چرا پس از مدتها که آرزوی دیدار ایشان را می‌کشیدم خواسته‌های خود و دیگران را به ایشان عرضه ننمودم و مراد دلم را نگرفتم.

آری بدرستی که این غیبت، دوری عاشق و معشوق و مولا و غلام نیست. بلکه ایشان از ما به ما نزدیکتر است و ما را می‌بیند و شاهد اعمال ماست (جمال یار ندارد نقاب و پرده ولی غبار ره بنشان تا نظر توانی کرد / حافظ) و رفتار و کردار ما را حضرت زیر نظر دارند و هر شب جمعه نامه اعمال ما را نزد ایشان جهت تایید و امضاء می‌برند چنانچه از اعمال ما راضی باشند یا لبخند ملیحانه‌ای امضا

نموده و اگر راضی نباشند ناراحت و غمگین می‌شوند و این ما هستیم که چشم بصیرت نداریم که ایشان را ببینیم و روی همین اصل است که شاعر می‌گوید:»^(۱)

بشارت

البشاره البشاره شاه خوبان خواهد آمد
 آنکه باشد پیکر اسلام را جان، خواهد آمد
 آنکه دنیا را کند دارالسرور خلق شادان
 آن عزیز عصر جانها سوی کنگان، خواهد آمد
 تیرگیهای شب هجران رسد آخربه پایان
 آن هلال برج دین چون ماه تابان، خواهد آمد
 تا کند روشن جهان را از فروغ علم و دانش
 شمس عالمگیر دین با روی رخشان، خواهد آمد
 گسربه ظاهر سروری نبود برای اهل ایمان
 صبرکن تا جدار ملک ایمان، خواهد آمد
 شاه دین در پرده غیبت نمی‌ماند همیشه
 آن همایون اختری با لطف یزادن، خواهد آمد
 صبرکن ای فاطمه‌ای بانوی پهلو شکسته
 مهدیت با شیشه دارو و درمان، خواهد آمد
 دوستان را غم فزون شد جان زحسرت برلب آمد
 ای خدا، کی روز هجرانش بپایان، خواهد آمد

پس بناء علی هذا امام زمان ظاهراً و از دید بصیرت ما پنهان است والا بر تمام جریانات عالم، سیطره دارند؛ از چگونگی لیل و نهار و گردش شمس و قمر گرفته تا اعمال ما انسانها همه و همه اشرافیت تمام دارند. و هر وقت که مساله‌ای مبهم و یا دستوری از جانب خداوند باشد، توسط عالمان ربانی زمان در هر عصری به آنان ابلاغ خواهد شد که لازم است به نمونه دیگری که توسط فقیه عالیقدر دانشمند جلیل‌المقام استاد و حافظ احادیث، ابوجعفر شیخ کبیر مرحوم صدوق در کتاب فضایل الشیعه ص ۱۱ نقل شده است اشاره شود:

داستانی از شیخ صدوق

سن مبارک علی بن حسین بن بابویه از پنجاه میگذشت و هنوز صاحب فرزندى نشده بود، لذا نامه‌ای به محضر مبارک حضرت ولی عصر علیه السلام نوشت و از آن حضرت درخواست کرد برایش دعا کند تا خداوند به او فرزندى صالح و فقیه مرحمت فرماید. ابوجعفر بن علی الاسود می‌گوید من نامه ابن بابویه را به حسین بن روح سومین نایب خاص حضرت حجت رساندم پس از سه روز به من خبر داد که حضرت برای علی بن حسین بن بابویه دعا فرموده « و انه سیولد ولد مبارک ینفع الله به و بعده اولاد» به زودی خداوند به او فرزند مبارکی عطا می‌فرماید و به سبب او (به مردم) خبر می‌رساند و بعد از او (شیخ صدوق) نیز فرزندان دیگری به او (ابن بابویه) عنایت می‌فرماید.

ایشان در یکی از کتابهایش به نام کمال‌الدین می‌گوید هرگاه ابوجعفر بن علی الاسود مرا می‌دید که برای طلب علم و دانش و فراگیری آن به محضر اساتید

می روم به من می فرمود: تو به دعای امام زمان علیه السلام متولد شده‌ای. چون خداوند به پدرت فرزند نمی داد و مرحوم علامه بزرگوار سید محمد باقر مجلسی رحمت الله علیه نیز در کتاب ارزشمند بحارالانوار ج ۵۱ / ص ۲۳۵ نیز این قضیه را از معجزات حضرت ولی عصر دانسته است و آخر الامر که اگر بنا باشد ذکر شود باید از علامه بزرگوار سید مهدی بحر العلوم علامه بزرگوار کلینی صاحب اصول کافی و علامه بزرگوار حلی و سایرین نیز موارد زیاد است یادی شود که لهذا آن بزرگوار در تماس رسمی و آشکار با کسی نیست و بر مردم است که از نواب عام یعنی عالمان ربانی و فقیهان پارسا و خویشندار، پیروی کنند نهان زیستن ایشان بدین معناست که دور از چشم مردمان و برکنار از جنجال روزگار باشد؛ اما زیر همین آسمان و روی همین زمین به سر می برند و اگر برخوردی هم برایشان پیش آمد کند، اغلب ناشناخته می ماند و دیدارشان با افراد فقط با اذن خداست و بس.

فصل هشتم

وظایف مردم در زمان غیبت چیست؟

آنان که در انتظار مصلحتی به سر می‌برند باید خود صالح باشند. زدودن زنگارهای شرک و نفس‌پرستی و رذایل اخلاقی از دل و گفتار و کردار خوب و خدایسند از اولین وظایف منتظران حضرت می‌باشد. متون اصیل اسلامی بخصوص شیعه پر است از سفارشات مختلف در خصوص انتظار و منتظران واقعی در زمان غیبت و وظایف منتظران. ائمه اطهار خود نیز از منتظران حضرتش بوده‌اند؛ چنانچه حضرت امام صادق علیه‌السلام فرمودند اگر زمان ظهورش را درک می‌کردم سراسر عمر خویش را وقف خدمت او می‌نمودم. (۱)

آگاهی و آمادگی

آگاهی و شناخت از خدا، لازمه انتظار است و بیداری و مراقبت و آمادگی، لازمه چشم‌براهی است؛ بویژه که هرگز زمان معین را برای ظهورش نگفته‌اند. لهذا قراذهایی از سخنان گهربار آن حضرت را جهت تجلی روح و روان عرض می‌کنیم:

۱- فرمودند چگونگی بهره‌وری از من به هنگام غیبت، چون بهره‌وری از

خورشید است آنگاه که ابرها آن را از دیده‌ها پنهان سازند.

۲- من برای ساکنان کره زمین باعث امنیت می‌باشم چنانچه ستارگان امان اهل آسمان هستند.

۳- ما از رسیدگی به شما کوتاهی نمی‌کنیم و یاد شما را از خاطر نمی‌بریم که اگر چنین نبود نابسامانی‌ها بر سرتان فرو می‌آمد و دشمنان شما را در هم می‌شکستند. و چه زیباست در پی او بودن و از او سرودن و چه دردناک است دیرآمدنش و نبودن ما. از اینرو خدا را می‌خوانیم و ستایش می‌کنیم و دست به دعا و تضرع بلند کرده و می‌گوییم: بار پروردگارا اگر میان من و او مرگ قرار گرفت، آنگاه که او آمد، مرا از میان گورم بدرار و آن هنگام کفن خویش را برکمر خواهیم بست و با شمشیر آخته و نیزه افراشته لبیک گویان به ندای وی پاسخ خواهیم گفت:

الهی! آن موعود دلها آن منجی رازها آن یاور دین و آن نوش داروی هر درمان... که هر آن منتظر فرمان است تا بیاید و جهان را به گونه‌ای دیگر بیاراید و عدل و داد را حاکم و ظلم و جور را ریشه کن کند رابه سامان برساند. پس به ذات خود و به همه انبیا و اولیاء و همه خوبان و صالحان قسمت می‌دهیم فرمان ظهورش را صادر نما. السلام علیک یا اباصالح المهدی ادرکنی عجل علی ظهورک

کی خواهد آمد

بارالها رهبر کل جهان کی خواهد آمد

شیعیان را غمگسار بی کسان کی خواهد آمد

انتظار مصلحی دارم اما ندانم

مصلح کل جهان کی خواهد آمد

آنقدر از کردگار خویش امیدوارم

که شفا بخش دل امیدواران کی خواهد آمد

خستگان عشق را ایام درمان خواهد آمد

غم مخور آخر طبیب دردمندان خواهد آمد

دردمندان مستمندان بی پناهان را بگو

منجی عالم پناه بی پناهان خواهد آمد

غم مخور ای فاطمه‌ای بانو پهلو شکسته

مهدیات با شیشه دارو و درمان خواهد آمد

فصل نهم

امام زمان علیه السلام در آینه دلها

امام زمان علیه السلام به سان خورشیدی نورافروز در پی ابرهای غیبت هدایتگر انسانها و همچون ستاره‌ای برای اهل آسمان امان اهل زمین است. و چه زیباست که آینه دلها، صیقل داده شوند تا بتوانند نور جمال عشق الهی را در بطون مطهره انسانها منعکس نمایند. چرا که از دل‌های همچون خشت و آجر تشعشی نمی‌گذرد. امام عصر (عج) همیشه حافظ و یاور شیعیان و مدافع مظلومان می‌باشد. و در نشیب و فراز زندگی، یاری بخش ستمدیدگان، فریادرس بیچارگان. حضرت و لطف بی‌پایان ایشان است که صدها سال است نصیب انسانهای پاک و وارسته شده و خاطرات طلایی و شیرین بسیار برای ارادتمندان و شیفتگان آن امام فراهم کرده است. از آنجمله از فقیهان عصر خودمان فقیه فرهیخته مردی ملکوتی که روحانیت فراگیر و نورانیتی جهان افروز داشت و قریب به یک قرن در قید حیات بود و نزدیک به شصت سال در تدریس طلاب فاضل و تهذیب نفس عمر پربرکت خود را گذراند یعنی حضرت آیت‌الله العظمی حاج آقا رضا بهاء‌الدینی رحمة الله علیه.

حضرت آیت الله بهاء الدینی

در وصف ایشان و از بیانات معظم له با وجود مقدس حضرت مهدی که در کتاب آئینه بصیرت ایشان از قول مولف دانشمند جناب آقای سید حسن شفیعی نقل شده است که به یکی دو مورد آن اشاره می شود.»^(۱)

سالهای بسیاری در قنوت سرور عزیزمان حضرت آیت الله بهاء الدینی، آیات نورانی قرآن کریم و دعاهای مرسوم را می شنیدیم؛ تا اینکه ناگهان زمانی متوجه شدیم که نوع کلمات و عبارات ایشان تغییر یافته است؛ چون دستان مبارک خود را جلو صورت می گیرند برای حضرتش این دعا را می خوانند: «اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه فی هذه الساعة و فی کل الساعة ولیاً و حافظاً و قائداً و ناصراً و دليلاً و عیناً حتی تسکنه ارضک طوعاً و تمتعه فیها طویلاً.» روزی که در محضر آقا بودیم و فرصت مناسبی فراهم شد، از تغییر رویه دعای ایشان در این باره سوال کردم، معظم له به یک جمله بسنده کردند، که حضرت پیغام دادند در قنوت نماز به من دعا کنید و مطلب دیگر اینکه ایشان با عشق و علاقه وصف ناپذیری که به آقا داشتند، در رابطه با مسجد جمکران و برکات آن می گفتند: «مسجد جمکران قم، محلی است مقدس که زمین آن آسمانی دارد و هر هفته آغوش خود را برای عاشقان امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شیفتگان مهدویت باز می کند. مسجدی که صدها سال پیش با دستور

امام عصر عجل الله تاسیس شده و آن حضرت، درباره عظمت این مسجد فرمودند: «هرکس دو رکعت نماز در آن به جا آورد نماز او همچون نماز در بیت عتیق مسجد الحرام خواهد بود. آنان که دلی آکنده از عشق به مولا دارند، و اندیشه دیدار او را در سر می پرورانند با حضور پرشور خود در شبهای چهارشنبه و جمعه دست امید و آرزو به سوی آن حجت الهی می برند تا از آسمان لطف بیکران آن حضرت باران اجابت حاجات و قبولی اعمال خویش را که از راههای دور و نزدیک و در فصول گرما و سرما آمده اند دریافت نمایند.

انسانهای سپید سیرت و صاحب معرفتی نیز وجود دارند که با نام آن حضرت و نگاهی قلبی و عمیق، از دور به آن مسجد مهر و محبت آن امام را پذیرا می شوند و نشاطی وجدانگیز می یابند. و هزاران گرفتار و مشکل دار، رفع مشکلشان می شود. در این میان این عزیز فرزانه و صاحب عشق ولایت، یعنی حضرت آیت الله بهاء الدینی می فرمودند: «که پیرامون خیرات و برکات بسیار این مسجد و بارش مهر آن امام همام، مکرر مشاهده شده است که در مسیری که از جاده قم - کاشان حرکت می کردم، همین که به موازات مسجد جمکران می رسیدم، حالم دگرگون می شد. و اگر کسالتی داشتم همان لحظه برطرف می شد! پس نتیجه می گیریم امام زمان به ظاهر و از چشم ظاهری ما پنهان است و الا بر همه اعمال و رفتار و حرکات و سکونات ما اشرافیت کامل دارند. و در شب قدر که فرشتگان برایشان نازل می شوند مقدرات یکساله ما به دست توانا و لطف ایشان مقرر می گردد.

یوسف کنعان عشق، بنده رخسار اوست
 خضر بیابان عشق، تشنه گفتار اوست
 موسی عمران عشق، طالب دیدار اوست
 کیست سلیمان عشق، بر در او یک فقیر
 کما اینکه سایر بزرگان و مراجع عصرمان نیز کرامات ایشان را تکراراً گفته و در
 مکتوبات خود تحریر نموده‌اند، من جمله نقل قولی از حضرت آیت‌الله سید علی
 شاهرودی فرزند گرامی حضرت آیت‌الله العظمی سید محمود شاهرودی (ره) بزرگ.

حضرت آیت‌الله سید علی شاهرودی

بنده خودم (مؤلف) سال گذشته که با عده‌ای از دوستان عازم بارگاه حضرت
 ثامن الحجج حضرت امام علی بن موسی الرضا علیه السلام بودیم. شب را خداوند
 عنایت فرمود، منزل معظم‌له مهمان بودیم؛ ایشان فرمودند: «زمانیکه نجف بودیم
 هر هفته با عده‌ای از طلاب بین نجف و کربلا زاپیاده طی طریق میکردیم، چون
 طبق روایات موثق، شبهای جمعه آقا امام زمان علیه السلام کربلا تشریف دارند و برای
 جدش حضرت امام حسین علیه السلام عزاداری می‌نمایند. ایشان گفتند: یک شب
 جمعه همراه با دو سید بزرگوار که از نظر سنی از من بزرگتر بودند، عازم سفر
 شدیم. هر هفته از راهی می‌رفتیم، این هفته را این دو بزرگوار گفتند میان پُر بزنیم.
 من گفتم: «چون هوا گرم است امکان اینکه تشنگی و خستگی راه، ما را اذیت
 نماید هست. گفتند آب برمی‌داریم. مع ذلک چون آنها بزرگتر بودند قبول کردیم

راه افتادیم. از آن صحرای لم یزرع عبور می کردیم، هر لحظه گرمای هوا طاقت فرسا بود. آبی که برداشته بودیم تمام شد. مرتباً لباسهای خودمان را خیس نموده و به تن می کردیم تا اینکه تشنگی اول بر آنکه از همه ما بزرگتر بود غلبه کرد و ایستاد. دیگر طاقت راه رفتن نداشت، مقداری زیربغل‌های ایشان را گرفتیم و به طرف جاده که رفت و آمد ماشین بود، رفتیم. نزدیک به جاده این دو همراه به حالت بیهوشی و غش به زمین افتادند. عبا‌های آنها را رویشان کشیده و به سمت جاده رهسپار شدم و هر ماشینی را که دست بلند می کردم نمی ایستاد. چون هوا رو به تاریکی می رفت و از آنها واهمه داشتم تا اینکه ناچاراً از سفارشات پدر بزرگوارم که میگفتند: ما شیعیان و شیفتگان حضرت مهدی هر موقع درمی مانیم، به خود آقا متوسل می شویم. بنده هم از روی اخلاص، متوسل به آقا شدم و گفتم یا حجة ابن الحسن! ای آقای من وای مولای من! ای عزیز من، ما بچه‌های تو هستیم به فریادمان برس. ما قصد زیارت جدت را داشتیم و می خواستیم با تو هم تواشویم. چون می دانستیم، حتماً شما شبهای جمعه کربلا تشریف دارید. در همین حال و هوا بودیم که صدای بوق ماشینی را شنیدم، به اسم به من گفت آقا سید علی شاهرودی چه شده است بلند شو. سربلند کردم دیدم آقای خوشرو و خوش‌سیما و خوش‌زبانی، با ماشینی همراه با راننده ایستاده. اشاره کرد، جلو رفتم. دوباره به اسم صدا زد و گفت چه شده است؟ چرانا راحت شده‌اید؟ گفتم: آقا قصد زیارت داشتیم، اینطور شد. فرمودند: ناراحت نباش، سوار شو. گفتم: همراه دارم. گویا آنها فوت نموده‌اند. به راننده‌اش دستور داد،

کمکم کند. آمدیم این دو بزرگوار که بی حال و به صورت میت افتاده بودند را آوردیم و در صندلی عقب ماشین نشانیدیم. سؤال کرد، کربلا می روید یا نجف؟ گفتم: آقا قصد کربلا داشتیم، لکن با توجه به حال این آقایان باید برگردیم به نجف و برگشتیم. در میانه راه از پدر و مادرم با نام پرسیدند. جواب دادم خوب هستند و دعاگو. اما اینقدر غافل بودم و حواسم به رفقا بود که سؤال نکردم و پی نبردم که این آقا با اینهمه بزرگواری هایش کیست! و از کجا ما را می شناسد؟! و اسم من و پدر و مادرم را از کجا می داند؟! لذا گیج بودم، تا آنکه سؤال کردند: چه بلایی سر رفقای آمده است؟ گفتم: تشنگی آنها را به این حالت درآورده است. از جیشان پنج عدد شیرینی (شکلات) درآوردند و عرضه داشتند: در دهان هریک شکلاتی بگذارید و خودتان هم میل بفرمایید. و یکی هم برای پدرتان آقای آقا سید محمود آقا و یک عدد هم برای مادرتان زهرا بپزید. من وقتی آن حالات رفقا را دیدم، گفتم: آقا جان قربانت شوم اینها که مرده اند. فرمودند: شما در دهانشان بگذارید و کاری نداشته باشید. این کار را انجام دادم. آن یکی را که خودم خوردم آنقدر خوشمزه و باطراوت بود که در تمام عمرم، شیرینی به آن خوشمزگی نخورده بودم. همینطور که می رفتیم یکباره دیدم آن دو سید بلند شدند و نشستند. بسیار تعجب آور بود. فکر کردم، خواب می بینم. بعد نهبی به خود زدم، دیدم بیدارم. روبه آنها کردم و گفتم مرا دست انداخته اید. گفتند: خیر ما حالمان بسیار بد بود، لکن این شیرینی ها به ما نیروی تازه داد بالاخره به شهر نجف رسیدیم؛ درست جلوی درب منزل پدرمان ایستاد. ما پیاده شدیم، چیزی که گفتند، فرمودند: سلام

ما را به آقا و مادرت زهرا برسان. هنوز برگشتم، خواستم تشکر و قدردانی نمایم، دیدم اثر و آثاری نیست. بسیار متعجب و متحیر شدم دوستان هم همینطور آنها خداحافظی کردند و رفتند. من به منزل آمدم، ابوی گفتند: چرا برگشتید. و جریان را گفتم... آقا لبخندی زد و سپس اشک از گوشه‌های چشمش سرازیر شد. گفتم آقا جان چرا اول لبخند زدید و حالا گریه می‌کنید. گفت لبخند برای خوشحالی و گریه هم گریه شوق است. آن آقای بزرگوار که به شما محبت کردند و شما را رساندند، حجة بن الحسن بودند. چرا بدون اینکه مراد خود را خواسته باشید، رهائش کردید. گفتم آقا جان، من اصلاً به این فکر نبودم. الا ایحال، بسیار غمگین و ناراحت شدم. لکن دیگر فایده‌ای نداشت، چرا که، آنکه سالها در آرزوی دیدار و به دنبالش بودم، بدون اینکه او را بشناسم، رهائش کرده بودم. چون خیلی در این باره به من و دوستانم محبت کردند، بدون اینکه عذری بیاورند به فریادمان رسید و از مرگ حتمی نجاتمان داد.

بله این است امامی که ظاهراً وجود ندارد ولیکن همیشه و در همه جا به فریادمان میرسد و این است انتظار سبز محمدی که جهان در انتظار اوست، تا پرچم سبز محمدی را براقصی نقاط عالم برافرازد.»^(۱)

مرحوم آیت الله العظمیٰ مرعشی رحمة الله عليه

روی همین جهت مرحوم آیت الله مرعشی رحمة الله عليه می فرماید: حقیر خودم مکرر کراماتی در آن مسجد جمکران مشاهده کرده‌ام. چهل شب چهارشنبه مکرر موفق شدم که در آن مسجد بیتوته کنم و جای تردید نیست که از امکانهای که مورد توجه و نزول برکات الهی می باشد و منتسب به حضرت ولی عصر عجل الله فرجه است. (۱)

حضرت آیت الله العظمیٰ فاضل لنکرانی دامت ظله

و یا آیت الله فاضل لنکرانی دامت ظله می فرماید: هر وقت برای حضرت آیت الله العظمیٰ بروجردی رحمة الله عليه مشکلی پیش می آمد مرحوم پدرم که خود از عاشقان و شیفتگان اقا امام زمان علیه السلام بودند و علاقه زیادی به مسجد مقدس جمکران داشتند، به محضر آقا متوسل شده و عرض می کردند: یک قربانی برای مسجد جمکران بفرستید تا رفع مشکل شود. ایشان ادامه دادند: در دوران طلبگی من خیلی به مسجد جمکران می رفتم شاید بیشتر از پانصد مرتبه. و کرامات زیادی در این مسجد مقدس دیده و شنیده‌ام که مجال توضیح بیشتر نیست. (۲)

۱- یادگار عمر / حسین صدیق / ج ۲ / ص ۲۲۸

۲- آئینه خاطرات / رضاشاه صفایی / ص ۱۰۶

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی دامت برکاته

حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی دامت برکاته نیز می فرمایند: مسجد جمکران مطابق روایات موجود، به فرمان حضرت مهدی مولا و صاحب العصر و الزمان علیه السلام برای هدف بزرگی در این منطقه خاص از شهر تاریخی - مذهبی قم ساخته شده و حسین بن مثله جمکرانی که مردی پاکدل و پاک سرشت بود در بیداری نه در خواب، این دستور را از آقا دریافت کرد. و با یک تشریفات خاص این مسجد را بنا نمود. به همین دلیل هرکس در فضای ملکوتی آن قرار می گیرد، احساس روحانیت عجیب و جاذبه معنوی فوق العاده ای می کند. و این جاذبه نیرومند معنوی به اضافه قضاء حوائج و حلال مشکلات فراوان که مردم از عبادات در آن و توسل به حضرت مهدی ارواحنا فداه دیده اند، نظیر این مسجد نیز در کشور عراق، شهر کوفه به نام مسجد سهله هست که هر شب چهارشنبه عاشقان امام زمان علیه السلام در آن جمع شده و با توسل و توکل، حاجات خود را طلب می کنند و امام زمان هم دلسوختگان را بدون پاسخ نمی گذارند.

برو آدم شو تا ما را ببینی آقا به سراغت می آید.

یکی از بزرگان و علما تعریف می کرد: چهل شب چهارشنبه از نیمه های شب تا به صبح رفتم مسجد، پس از عبادات و زیارات وارده بلکه بتوانم آقا را ببینم لکن ناامید برگشتم. سال دوم چهل شب چهارشنبه رفتم، آقا را ندیدم سال سوم رفتم. آخرین شب چهارشنبه بود، باز هم آقا را ندیدم. دیگر داشتم کم کم ناامید می شدم.

آفتاب داشت طلوع می کرد، بلندشدم بروم یک وقت دیدم آقا مرا با اسم صدا کرد. فلانی ناامید نباش. آمدم بلندشده و سلام کردم جواب سلام را داد. دست ایشان را بوسیدم. همراه با آقا راه افتادیم آمدیم داخل بازار. هنوز کسبه نیامده بودند. آقا جلوی مغازه کفاشی ایستادند و کفاش بلند شد و به آقا سلام داد و با هم احوال پرسى نمودند. آقا گفتند: کفشم وصله می خواهد، آیا وقت داری؟ کفاش نگاهی به کفش آقا انداخت و جواب داد: قربانت شوم، امروز وقت ندارم فردا بیایید. با اشاره گفتم می دانید ایشان کیست، قبول کن. کفاش قبول نکرد. آقا به طرف حرم جدشان امیرالمؤمنین علیه السلام راه افتادند و دیگر ایشان را ندیدم. آمدم پهلوی کفاش، گفتم: چرا قبول نکردی. مگر ایشان را نشناختی. ایشان امام زمانت بود. کفاش لیخندی زد و گفت: من هر روز ایشان را می بینم. خوب هم ایشان را می شناسم. مگر ندیدی؟ آقا دستور نداد. بلکه گفت اگر وقت دارید، من هم به لحاظ اینکه قبلاً کفشهای مردم را قبول نموده بودم و پیش آنها بدقول می شدم، قبول نکردم. آخر توی این بازار، همه مرا به خوش قولی و صداقت و امانت قبول دارند. خواستم خدا حافظی کنم، گفت: می دانی چکار کنی که آقا به سراغت بیاید. نه اینکه توبه دنبال او باشی؟ گفتم بله. گفت برو آدم شو. چون آدم شدی، آقا هر روز به دیدارت می آید. ^(۱) (به قول آن سخن معروف که فرمودند ملاشدن چه آسان آدم شدن چه مشکل)

بله؛ امام زمان علیه السلام در همه جا و همه مکانها حاضر و ناظر بر اعمال ماست. اگر آدم شویم خودش به سراغ ما می آید به خصوص در گرفتاریها و زمانی که به بن بست برسیم و به ایشان متوسل شویم به فریادمان می رسند.

دیدار باراننده بیابان و عمل بر عهد با مهدی

من خودم (مولف) راننده ای را سراغ دارم با توجه به اینکه راننده بیابان و ماشینهای سنگین است و به کشورها و شهرهای مختلف سفر می کند، دیده ام که اول وقت، هرکجا که باشد نمازش را ادا می کند. حال بیابان باشد یا خیابان.

وقتی علت آنرا پرسیدم، ابتدا طفره رفته و گفت: برای ثوابش این کار را انجام می دهم. بعد که اصرار کردم. گفت: قصه طولانی است ولکن شیرین، همراه با معنویت. خواهش کردم تعریف کند و او گفت: حالا که اصرار داری و با توجه به اینکه تا به حال ماجرا را به کسی نگفته ام. لکن چون تو را تشنه مولا دیدم، برایت تعریف می کنم. قصه از این قرار بود که من و خانواده ام چندان در قید و بند نماز و روزه و حجاب و غیره و ذالک نبودیم و خودم اهل شراب و قمار بودم، تا اینکه زمستانی، بار سنگینی به یکی از شهرهای سرد سیر غرب کشور می بردم. جاده خلوت و کم رفت و آمد بود. برف و بوران و کولاک همه جا را فرا گرفت به طوری که جلوی راه را به زحمت می دیدم. ناچاراً کنار جاده ایستادم که هوا مساعدتر شود. پس از ساعتی توقف، احساس کردم بسیار سردم شده است. شیشه ماشین را پایین کشیدم دیدم همه جا را برف و یخ و بوران گرفته است. هوا کم کم تاریک می شد،

احساس ترس و وحشت مرا فرا گرفت. گفتم حرکت کنم تا به جایی که آبادی باشد برسیم بهتر است. استارت زده، دیدم ماشین یخ زده و روشن نمی‌گردد، هرچه بیشتر تلاش کردم کمتر نتیجه گرفتم. مرگ را در نزدیکی خود احساس کردم. سرما تا مغز استخوانهایم رسوخ نموده بود. چاره‌ای جز توسل به ذات اقدس الهی ندیدم. به او گفتم: خدایا! اگر از این مهلکه نجات پیدا کنم، قطعاً شرب خمر را ترک می‌کنم و با تو آشتی می‌نمایم. مدتی گذشت، دیدم حالم بدتر می‌شود دوباره توسل جستیم. ای خدای من! ای محبوب من! اگر نجاتم دهی، خانواده‌ام را از بی‌حجابی و بی‌بندوباری بیرون می‌آورم. صبر کردم، مرگ در چند قدمی من بود او را می‌دیدم. چون سراپا یخ زده بودم. بار سوم توسل جستیم که‌ای ایزد منان! ای قادر کون و مکان! اگر نمردم و نجات یافتم. برای همیشه ضمن اینکه نمازهای قبلی را ادا کنم، قول می‌دهم اول وقت نمازم را بخوانم. صبر کردم، یک وقت به من الهام شد که خدا خودش نمی‌آید. برای نجاتم قاعدتاً واسطه می‌فرستد. یادم آمد که بزرگان و علما گفته بودند هر وقت در تنگناها قرار گرفتید و هیچکس به فریادتان نرسید، ضمن اینکه به ذات اقدس الهی متوسل می‌شوید. مولا و آقا امام زمان را صدا بزنید. خداوند او را ذخیره قرار داده و فوراً او را می‌فرستد. روی این اصل به مولا و آقایم امام زمان متوسل شدم. یا حجة بن الحسن! یا حجة بن الحسن! یا ابی‌صالح! بلند بلند گریه کردم و از او خواستم به فریادم برس. یک وقت در حالت گریه و زاری دیدم کسی به شیشه‌اش ماشین می‌زند. اول تعجب کردم، فکر کردم خیال مرا برداشته است. حتماً در این

حال و هوا، اینطور به نظر می‌رسد. برای بار دوم به اسم گفت: فلانی چه شده است؟ شیشه را پایین زدم، فکر کردم از همکاران است که با اسم صدا می‌زند / خوشحال شدم به چهره نورانی ایشان نگاه کردم، دیدم در این هوای سرد چهره نورانی ایشان به سان خورشید می‌درخشد گفتم: آقا شما چطور آمدید و چه کسی هستید؟ گفت شما پایین نیاید هر وقت گفتم استارت بزن، ماشین را روشن کنید. دستی به ماشین زد و گفت حرکت کن. تا استارت زدم، ماشین روشن شد. تشکر کردم آدمم پایین و گفتم: آقا درست است که من راننده هستم، لکن ما طیف راننده، لوتی هستیم و مراممون مردونگی هست. هرکس نسبت به ما خوبی کند بی پاسخ نمی‌گذاریم. در جواب گفتند: یادت باشد با خدای خود سه قول و سه قرارداد بستی، نسبت به آنها متعهد باش. گفتم: آقا شما از کجا خبردارید؟ جواب داد: شما به آن کاری نداشته باشید. فقط اگر می‌خواهی که هیچ وقت گرفتار نشوی، به تعهدات خود عمل کن. تا سرم را برگرداندم، هیچ اثر و آثاری ندیدم. روی زمین را نگاه کردم، همه جا برف بود، ولی اثری از رد پا نبود. آنوقت فهمیدم ای دل غافل او آقا امام زمان بود افسوس خوردم. دیگر فایده‌ای نداشت و به منزل برگشتم. بچه‌ها وقتی که آن حالت نورانی و روحانی مرا دیدند، دورم جمع شدند. گفتند: چه شده است بابا؟ جریان را به آنها گفتم، آنها هم منقلب شدند. به همسرم گفتم بیا زن از هم جدا شویم. شما برای خودت زندگی کن. من هم برای خودم. چون گروه خوئی ما از حالا به هم نمی‌خورد. همسرم گفت: چطور شده است، حالا که آقا به ما لطف کرده و شما را نجات داده و بچه‌هایم یتیم نشده‌اند،

من بیایم جدا شوم. خیر، ما هم تغییر جهت داده، خدایی و امام زمانی می شویم. مگر ما چه کم داریم که با خدا و امام زمان آشتی نکنیم؟ فوراً دستور دادم: خانم، حالا که می خواهی خدایی و امام زمانی شوی، فوراً این بساط شراب و قمار و لهور و لعب را جمع کن و آتش بزن. شما خودتان نیز همراه با بچه ها، حجاب را رعایت کنید، لذاست که از آنروز تصمیم گرفتم، به تعهدات خود عمل کنم و موفق بوده ام و زندگی ما متحول، نورانی و دگرگون شده است.»^(۱)

دیدار با مولف

و اما آنچه برای خود اینجانب در سنین طفولیت که هنوز به حد تکلیف نرسیده بودم و در قریه خودمان (مغیثه) برایمان پیش آمد. و آن اینکه تابستانی گله گوسفندان را در کوه و بیابان به چرا برده بودیم، آب آشامیدنی ما به اتمام رسید. به علت فاصله زیادی که با روستا داشتیم، تشنگی طاقتمان را طاق نموده بود و نای راه رفتن را از ما گرفته بود با خود زمزمه و توسل به درگاه باری تعالی می کردم که ناگهان مردی نورانی و بزرگوار را دیدم که در شکل و شمایل و هیبت پدر بزرگمان به سمت ما آمد. به من ظرف آبی داد و گفت: بنوش پسر. خیال این آب شیرین که تا به حال چنان آب گوارایی را ننوشیده بودم، آنچنان مرا از خود بیخود کرده بود که از ایشان پرسیدم شما؟ اینکه اصلاً اینجا چه می کنید... آب را

که نوشیدم برگشتم که از ایشان تشکر نمایم، لکن او را ندیدم. فکر کردم که سربه سرم گذاشته است، لذا هنگامیکه به منزل رسیدم و موضوع را برای ایشان تعریف نمودم و گفتم چرا ناپدید شدید و خدا حافظی نکردید. ایشان اظهار بی اطلاعی کردند و به هر حال ابوی گرامی امان سر مطلب را برایمان تشریح نمودند که حال یا خود امام بوده است و یا رجال الغیبی از امام عصر علیه السلام.^(۱)

پرسش و پاسخ جناب مقدس اردبیلی (ره) و امام زمان (عج)

همچنین است قضیه پرسش و پاسخ جناب مقدس اردبیلی (ره) که از شخصیت‌های علمی و معنوی جهان تشیع است و هر وقت برای مسأله‌ای بی پاسخ می‌ماندند، خدمت قبر مبارک حضرت امیر علیه السلام می‌رسیدند و جواب خود را می‌گرفتند. شاگردی داشت به نام میر فیض... که او هم دارای فضل و ورع بود و از شاگردان ممتاز آقا بود. می‌گوید من حجره‌ای داشتم که مُشرف به بارگاه شریف حضرت امیر بود. ساعات زیادی از شب گذشته بود، از حجره خارج شدم تا سری به اطراف حرم بزنم. شب بسیار تاریکی بود مردی را در سیاهی شب دیدم که می‌خواهد وارد حرم شریف شود. پیش خود گفتم شاید او دزد باشد، و آمده است تا چیزی از حرم به سرقت ببرد. لذا او را تعقیب کردم. در حالیکه مرا نمی‌دید، حرکتهای او را زیر نظر گرفتم. نزدیک درب اول شد و ایستاد. دیدم قفل

درب باز شد و به همین منوال درب دوم و سوم. تا اینکه به بالای سر قبر شریف حضرت رسید و سلام و احترام کرد و جواب سلام او از سوی قبر حضرت داده شد. شنیدم که درباره یک مساله علمی با امام سخن می‌گوید. آنگاه از حرم مطهر خارج شده و بطرف مسجد کوفه رفت. پشت سر او حرکت کردم و ایشان مرا نمی‌دید. وقتی به محراب مسجد کوفه رسید، دیدم درباره همان مساله با کسی سخن می‌گوید. سپس برگشت و من هم پشت سر او بازگشتم و به شهر رسیدم. سفیدی صبح آشکار شده بود که به نزد آقا رفتم و گفتم آقا، من از اول شب تا آخر شب با شما بودم. بفرمایید در حرم با چه کسی سخن می‌گفتید؟ و از محراب مسجد کوفه با چه کسی صحبت می‌کردید؟ آقا شروع کردند از من تعهد و پیمان گرفتن که سر او را تا زنده است به کسی نگویم. آنگاه گفت: فرزندم، بعضی از مسایل که برایم مشتبه است نیمه‌های شب به حرم مولا امیرالمومنین علی علیه السلام می‌روم و درباره آنها با حضرت صحبت می‌کنم و جواب می‌گیرم. امشب به زیارت ایشان رفتم مرا به مولایم صاحب الزمان حواله کردند و فرمودند: مهدی، پسرم، امشب در مسجد کوفه است؛ نزد او برو و جواب مساله را دریافت کن و آن کس که در مسجد کوفه با او صحبت کردم و جواب مساله‌ام را داد مهدی فاطمه بود. (۱)

حاضر و ناظر بر اعمال

بله! بنابراین منظور اینست که امام زمان در همه حال بر اعمال و رفتار و گفتار ما حاضر و ناظر است و هر وقت هریک از نواب عام و عالمان ربانی او مشکلی داشته باشند و اهل صفا و مرابطه باشند، می توانند ایشان را ملاقات کنند. حال یا در عالم خواب یا بیداری. منتهی بروز نمی دهند تا زمانی که زنده هستند. لکن پس از مرگشان روشن می شود که چه ارتباطاتی داشته اند.

لذا در حالت بکاء این اشعار را زمزمه می کنند که:

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند

واندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند

بیخود از شعله پرتو ذاتم کردند

جرعه ای از جام تجلی صفاتم دادند

چه مبارک سحری بود و چه فرخنده شبی

آن شب قدر که این تازه براتم دادند

بعد از این روی من و آینه وصف جمال

که در آنجا خبر از جلوه ذاتم دادند

هاتف آن روز به من مژده این دولت داد

که بدان جور و صفا صبر و ثباتم دادند

دیدار امام راحل و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)

یکی از نزدیکان امام راحل در نجف اشرف بودند، نقل می کنند که: «شیخی

بود پیرمرد و اهل مازندران که بی سبب نسبت به امام خمینی خوش بین نبود. حتی

به بعضی توصیه می کرد که به درس امام نروید. طبق معمول که امام ساعت ده و

ربیع به محل درس تشریف می بردند. من با عجله می آمدم تا به همراه امام به درس

بروم. دیدم کنار درب بیرونی منزل امام این شیخ پیرمرد درب را می‌بوسد و گریه می‌کند. باتعجب به او نگاه کردم تا شیخ چشمش به من افتاد، گفت «الحمدالله الذی هدانا لهذا ما كنا لنتهدى لولا ان هدانا الله» (سپاس خدایی را که ما را هدایت کرد و اگر خدا ما را هدایت نمی‌کرد در گمراهی می‌ماندیم) گفتم چه شده است؟ گفت: درس می‌روید؟ آقا به درس می‌آیند؟ گفتم: بله. گفت: من هم می‌آیم و در همین حال در باز شد و امام به بیرون تشریف آوردند. من و آقا روانه مسجد برای درس شدیم ولی آن شیخ از خجالت از کوچه دیگری به مسجد آمد.

من کنار درب مسجد نشسته بودم، آقا مشغول تدریس بودند که آن شیخ آمد نزد و در من نشست گفت: تو که می‌دانی من بخاطر توهماتى که داشتم نسبت به آقا بدبین بودم. ولی یک شب در خواب دیدم در حرم حضرت امیر هستم و عده‌ای صف کشیده و دور هم نشسته‌اند. یکی یکی نگاه کردم هر کدام قیافه‌ای مطابق سن خود دارند. دوازدهمی را گفتند: حضرت مهدی علیه السلام است از چهره‌اش نور می‌بارید. خیلی زیبا و ملکوتی بود. او در آخر صف نشسته بود. بعد از او علمای گذشته یکی یکی آمدند. و همه از مقبره مقدس اردبیلی بیرون می‌آمدند. یک وقت دیدم که آقای خمینی از در وارد شدند و شما هم به دنبال او هستید. آن آقای دوازدهمی تا چشمش به او افتاد بلند شد، یازدهمی هم بلند شد، یک مرتبه دیدم همه بلند شدند. بعد همه می‌نشستند ولی آقای دوازدهمی ایستاد و گفت: روح‌الله، آقای خمینی عبايش را جمع کرد و گفت: بله آقا؟

فرمود: بیا جلو، آقا به سرعت جلو آمد. وقتی از نزدیک خدمت امام زمان

رسید، دیدم به مدت یک ربع ساعت، در گوش آقای خمینی نزدیک دهان مبارک امام زمان بود. و ایشان عرض می‌کرد: چشم، فلان کار را انجام دادم، یا انشاءالله انجام می‌دهم. درست ربع ساعت حضرت مهدی تند تند در گوش آقا چیزهایی می‌گفتند. وقتی مطلب تمام شد مقداری فاصله گرفتند و حضرت رفتند تا بنشینند که آقای خمینی عقب عقب پس از ادای احترام به بزرگان مجلس را ترک کردند ولی در مجلس به اندرونی حرم نرفتند. من گفتم چرا آقا به حرم نرفت؟ گفتند: حضرت امیر اینجا نشسته بودند؛ کجا برود.

بعد از آن از خواب بیدار شدم و شروع کردم به گریه کردن. همسرم بیدار شد، به ساعت نگاه کردیم. دیدم یک ساعت به اذان مانده است.

من الان پشیمان شده‌ام و به ایشان ارادتمند گشته‌ام ولی هنوز ناراحتم و اولین کاری که کردم همان بود که شما دیدید. آمده بودم در خانه آقا که فقط شما می‌دانید. من از شما خواهش می‌کنم از قول من به آقا عرض کنید که مرا ببخشند و مرا حلال کرده و از تقصیر من بگذرند.

از مسجد که بیرون آمدیم من در بین راه قضیه را به امام عرض کردم؛ آقا فرمودند من از ایشان گذشتم و بخشیدم؛ هرچه بود بخشیدم بعد از این که امام به اندرون داخل شدند، شیخ دوان دوان نزد من آمد و گفت؟ چه شد؟ گفتم: آقا فرمودند: من ایشان را بخشیدم. تا این حرف را شنیدم به سجده افتاد و بعد از آن

همیشه به درس امام می آمد و امام هم نظر خاصی به ایشان داشتند.»^(۱)

بله روی همین اصل است که حضرت امام می فرمودند: این انقلاب صاحب و نگاهدار دارد و از هیچ چیز و هیچکس نباید ترسید. آری به قول فرمایش امام جعفر صادق علیه السلام که فرمودند: منتظرین، جزء بندگان واقعی خدا هستند و زمانی بر مردم خواهد گذشت که امام آنها از نظرشان ظاهراً غایب می گردد. خوشا به حال آنها که در آن زمان بر عقیده خود نسبت به ما ثابت می مانند و کمترین ثوابی که آنها دارند، این است که خداوند متعال آنها را با این کلام صدا می زند: بندگان من که ایمان به خدا آوردید و غیب مرا تصدیق کردید شما را به ثواب نیکوی خود مژده می دهم شما بندگان حقیقی من هستید. عبادت شما را می پذیرم و از تقصیرات شما در می گذرم و شما را می آمرزم و به خاطر شما بندگانم را از باران سیراب می کنم و بلا را از مردم برطرف می سازم.

و اگر برای خاطر شما نبود عذاب خود را بر آنان که (در پی بی دینی و غفلت و معصیت به سر می برند) فرو می فرستادم.

جابر گوید: عرض کردم یا بن رسول... بهترین کاری که شخص با ایمان در آن زمان (غیبت کبری) می تواند انجام دهد چیست؟ فرمودند: حفظ زبان و ماندن در خانه.»^(۲)

۱- قصه های معنوی / ص ۱۳۶

۲- یوم الخلاص / ص ۱۱۵

فصل دهم

ویژگیهای حکومت حضرت مهدی علیه السلام

حال ویژگیهای حکومت حضرت مهدی عج و پیامدهای آن را بیان می‌نماییم؛ و اکنون پس از مباحث گذشته در مورد چگونگی ظهور حضرت از ادیان و مدت طول عمر آن حضرت و آیا امامی که وجود ظاهری ندارد می‌توان از او متابعت کرد. ببینیم چگونگی ویژگیها و خصوصیات حکومت حضرت مهدی که تاریخ بشری و انسانیت پس از حکومتهای مختلف به بن بست رسیدند به چه صورت است و اکثر آنها چگونه خواهد بود و با توجه به اینکه همه چشم انتظار آن منجی عالم هستند. با عنایت به آیات و روایات از خاص و عام به طور اجمال ذکر می‌نماییم. در بخش آیات و روایات صریحاً ذکر خواهد شد، رهبری و فرماندهی این حکومت جهانی با حجة بن الحسن المهدی (ارواحنا له الفداء) خواهد بود و زمانیکه آن حضرت انشاء... ظهور کردند، حکومتشان که تجسم آرمانهای دیرینه بشریت مظلوم است، ویژگیهایی خواهد داشت که برخی از آنها به قرار زیر است. البته ناگفته نماند چنانچه مردم بی‌فرهنگ و نادان زمان امیرالمومنین علیه السلام پس از فوت نبی اکرم به اولی و دومی و سومی بیعت نمی‌کردند و به مولا علی می‌گرویدند بفرمایش خود رسول... خداوند جهنم را خلق نمی‌کرد. اما چه کنیم که همه بدبختی‌های بشریت از همان دوشنبه سیاه که پیمان شکستند و ولی خدا و

جانشین برحق پیغمبر را تنها گذاشتند و به دیگران دست بیعت دادند بود. اولین بیعت‌کننده طبق روایتی که سلمان می‌فرماید شیطان بود که به صورت پیرمردی دست دراز کرد و دیگران به تبعیت از او بیعت کردند و شد آنچه نمی‌خواست بشود. و چون پیمان و سنت را علیرغم توصیه‌ها و سفارشات مکرر نبی اکرم ﷺ در آن حدیث ثقلین که فرمودند: «انی تارک فیکم ثقلین کتاب... و عترتی...»^(۱) شکستند و امروز همه بلاها و هر جنگ و کشتار و هر مشکلی که برای بشریت و انسانیت پیش آمده و می‌آید، از آن روز سرمنشاء و سرچشمه می‌گیرد و اگر این رخداد نبود و نمی‌شد، حکومت بر پایه عدل و عدالت و حق و حقیقت به مولا امیرالمؤمنین علیه السلام و بعد از ایشان به جانشین برحق ایشان الی آخر می‌رسید و امروز بشریت در رفاه و آسایش و آرامش مطلق بود.

و اما برخی از ویژگیهای حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام

۱- حکومت ایشان یک حکومت جهانی خواهد بود و شرق و غرب عالم را فراخواهد گرفت. او وارث روی زمین و حاکم علی‌الاطلاق خواهد بود و چنانچه کسی خواسته باشد، با اسلحه‌های پیشرفته امروز در مقابل ایشان مقاومت کند اولاً اسلحه‌ها از کار می‌افتد. ثانیاً چنان شکستی بخورد که نتواند برای هیچوقت قد علم نماید.

- ۲- حکومت حضرتش براساس ایدئولوژی اسلامی خواهد بود و دین اسلام که همان دین مورد رضایت خداست، حاکم بر جهان خواهد بود و اسلام بر دیگر ادیان پیروز خواهد شد و شعار اسلام که همان شهادت به یگانگی خدا و نبوت حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدا... است همه جا سرداده خواهد شد.
- ۳- قانون اساسی و پایه اصلی حکومت جهانی حضرت مهدی قرآن کریم است.
- ۴- خوف و ناامنی، از میان خواهد رفت و امنیت و آرامش همه جا را فراخواهد گرفت و دیگر وقفه ناامنی در هیچ جا نیست و نخواهد بود.
- ۵- زمین پراز عدل و داد خواهد شد و عدالت اجتماعی اسلام در تمام ابعاد آن به مرحله اجرا درخواهد آمد و در اثر آن زمین، زنده و چشمه‌های خشک روان و رودخانه‌های بی آب، پر آب و نخلستانهای خشکیده و باغات و مزارع تفدیده و سرسبز خواهد شد و آنوقت است که هیچ کس به عنوان فقیر و مستضعف وجود نخواهد داشت.
- ۶- برکتهای آسمان و زمین ظهور خواهد کرد و معادن و گنجینه‌های زمین به آسانی استخراج و در دسترس همه پیروان حضرت قرار خواهد گرفت.
- ۷- کشاورزی و زراعت رونق و شکوفایی بی سابقه‌ای خواهد یافت و همه جای زمین سبز و خرم و بانشاط خواهد شد و کشاورزان از کشت و زرع خود چند برابر سابق محصول برداشت خواهند کرد.
- ۸- وحدت کلمه بین همه ادیان و طوائف به معنای صحیح و جامع پیاده خواهد شد و همه زیر سایه اتحاد و هماهنگی و نیکویی کامل به سر می‌برند.

- ۹- در روایت بسیار معتبر آمده روز ظهور حضرتش منادی ندا کند که الا یا اهل العالم، امروز روز آزادی و عدالت اجتماعی است.
- ۱۰- علوم و صنایع، پیشرفت خارق العاده‌ای خواهد داشت و عقول مردم به تکامل خواهد رسید و علم و دانش در میان مردم منتشر خواهد شد.
- ۱۱- بلادها و شهرها آباد و توسعه خواهد یافت و جای ویرانی نخواهد ماند؛ مگر آنکه آباد شود و مردم در کمال راحتی و آسایش زندگانی خواهند کرد.
- ۱۲- مردم از رذائل اخلاقی مانند حسد و دروغ و کینه دور خواهند گشت و دیگر غیبت کننده و نمام نخواهد بود و بسوی فضائل و معنویت و حقیقت حرکت می‌کنند و دل‌های همه پاک و پاکیزه خواهد شد. و بدان در همجواری با خوبان خوب خواهند شد.
- ۱۳- آفات و بلیات و زلزله و باد و طوفان و امراض از گیاهان و مردم دور خواهد شد و بیماران شفا پیدا می‌کنند.
- ۱۴- بازار کسب و کار، رونق فوق العاده‌ای خواهد گرفت و کسی بی‌کار نخواهد بود و یک اقتصاد سالم در جامعه پیاده خواهد شد. و در روی زمین فقری دیده نمی‌شود و این در اثر ثروت فراوان و توزیع عادلانه آن خواهد بود.
- ۱۵- علم طب و بهداشت و درمان آنچنان پیشرفت خواهد کرد که در اثر آن عمرهای مردم طولانی خواهد شد؛ توأم با سلامتی و عافیت و نیروی جسمانی بالا.
- ۱۶- در حکومت جهانی حضرت مهدی زبان بین‌المللی و واحد همان زبان قرآن است (عربی) که همه به آن آشنا خواهند شد.

- ۱۷- بعد از نزول حضرت عیسی از آسمان و اقتدای او در نماز به حضرت مهدی همه پیروان ادیان و کتب آسمانی به حضرت مهدی علیه السلام ایمان می آورند و هیچکس باقی نمی ماند مگر آنکه بر خاتمیت حضرت محمد بن عبدالمطلب و جانشینان برحق او اعتراف کند.
- ۱۸- همه دانشمندان جهان از نقاط دور و نزدیک به خدمت حضرت مهدی می آیند و او را در جمیع علوم داناتر از خود می بینند. علم و عقل و وجدان باعث اسلام آوردن آنها می شود.
- ۱۹- آسمان و زمین برکات خود را بر مردم نازل می کنند و همه در زمان حکومت جهانی حضرت مهدی زندگانی خوشی خواهند داشت که هیچگاه سابقه در دنیا نداشته است.
- ۲۰- حیوانات درنده و وحشی رام می شوند و به احدی از مردم آزار و آسیبی نمی رسانند و همه تحت فرمان حضرت هستند.
- ۲۱- اصول شرافت و مردانگی و انسانیت رشد پیدا می کند و مردم به یکدیگر مهربان می شوند و همه یکی خواهند شد.
- ۲۲- احکام الهی موبه مو اجرا خواهد شد و حکمی در حکومت جهانی حضرت مهدی از احکام قرآن و اسلام معطل نخواهد ماند.
- ۲۳- هیأت دولت در حکومت جهانی حضرت مهدی متشکل از ۳۱۳ نفر مرد و پنجاه زن خواهد بود و اینان اوامر و نواهی حضرت را اجرا می کنند و زیر نظر مستقیم حضرت دنیا را اداره خواهند کرد.

- ۲۴- همه مشکلات و دشواریها در برابر حضرت مهدی علیه السلام تسلیم و رام می‌گردد.
- ۲۵- در حکومت حضرت مهدی حق هرکسی به او داده می‌شود و به کسی ظلم و تعدی نخواهد شد و مردم از قید اسارتها خلاص می‌گردند.
- ۲۶- هوا و آب و زمین و آنچه مخلوق خداست همه تحت فرمان ولی... الاعظم حجة بن الحسن خواهد بود.»^(۱)
- این بود نمونه‌هایی از ویژگیهای جامعه بشری در دولت حقّ حضرت مهدی و آثار و برکات و پیامدهای آن حکومت الهی که همه کتب آسمانی و پیامبران عظیم‌الاشان و امامان معصوم از آن خیر داده‌اند که ارزانی مردم آن روزگار فرخنده خواهد بود و کسانی که جزء منتظران واقعی حضرت باشند و اجل گریبان آنان را بگیرد و از دار قانی و دنیا بروند در آن روز موعود و حکومت جهانی اهل بیت حضرت مهدی به اذن پروردگار عالم، آنان را زنده خواهد نمود. اللهم ارنا الظلعة الرشيدة و الغرة الحميدة.

فصل یازدهم

مفهوم کلی انتظار از دیدگاه شیعه

انتظار، یعنی اینکه از وضع فعلی، ناراحت باشیم و برای آینده‌ای بهتر، تلاش کنیم؛ مثل اینکه مریضی برای درمان خود، تلاش فراوان نماید. چون از درد و رنج و بیماری خود به ستوه آمده لذا سعی می‌کند از بهترین پزشکها برای علاج درد خود استفاده کند. و تمام دستورات او را مو به مو اجرا نماید. انتظار هم همین روش را دارد. چون از وضع موجود ناراحتیم، تلاش برای وضع بهتری را اندیشه می‌کنیم.

منشأ انتظار

چرا به ما دستور داده‌اند که منتظر باشیم و دلیلش چیست؟

الف - عده‌ای اعتقاد دارند؛ چون «من» سرخورده شده و به حقم نرسیده‌ام باید منتظر باشم تا مصلح واقعی بیاید و احقاق حقم را بنماید، روی این اصل منتظرم.

ب - لکن عده‌ای اعتقاد دارند و اکثر قریب به اتفاق نظرشان این است که انتظار را یک امر فطری و تکوینی می‌دانند که در سرشت انسان جای دارد و جا در اعماق وجودشان دارد نه اینکه چون سرخورده شده و به حقشان نرسیده‌اند منتظرند. و اصل واقعیت انتظار هم همین است که تشریح مختصر آن در پیش خواهد آمد:

از ویژگیهای حکومت حضرت از رسول خدا نقل شده است که:

امنیت کامل

«امنیت کامل بین اضداد برقرار است (در زمان حکومت حضرت) به طوریکه شیر و شتر با هم به چرا می‌روند و پلنگ و گاو با هم زندگی می‌کنند و گرگ و گوسفند با هم می‌چرند و مجمع الاضداد است.

ترقی قوای بدنی

دوم ترقی قوای بدنی است. انسان پس از دوران جوانی بدنش رو به ضعیفی و اضمحلال و تحلیل قوا می‌رود. لکن به فرمایش حضرت امام جعفر صادق علیه السلام در عصر حکومت حضرت امام زمان هر مردی معادل چهل مرد قدرت دارد. و اضافه می‌نماید که قوای جسمانی اعم از چشم و گوش قوی می‌شوند و از فاصله زیاد امام را می‌بینند و با هم صحبت می‌کنند.»^(۱)

عقول و اندیشه کامل

روایت دیگری از معصوم است که عقل و فکر و اندیشه به حد تکامل می‌رسد روی همین اصل است که در آیه شریفه قرآن شیطان به خداوند می‌گوید: «الی یوم

یبعثون» مرا زنده نگه دار؛ اما خداوند می فرماید: «الی یوم معلوم» تو را تا روز معین نگاه می دارم و آن روز معین را روز قیام حضرت مهدی علیه السلام گفته اند. و آن روز، خداوند، شیطان را از بین می برد و هرکس که از نظر عقل به کمال برسد شیطان در او راه ندارد. چون شیطان کارش در مردم، استخدام قوه خیال و وهم است و چون عقل به سرحد تکامل می رسد، لذا شیطان دیگر حنایش رنگی ندارد و نیازی به ماندن شیطان نیست. از اینرو وقتی عقل به سرحد کمال رسید علوم می که تا آن زمان کشف نشده منکشف خواهد شد.

شمشیر کجا، سلاحهای اتمی و میکروبی کجا

نکته بعد اینکه امام صادق علیه السلام فرمودند: «قائم ما وقتی با دشمنانش می جنگد. با شمشیری می جنگد که جنس آن از آهن است. نه این آهنی که الان وجود دارد. بلکه جنس آن با این آهنها فرق دارد. چرا که چون علوم در زمان امام عصر به سرحد کمال رسیده است. ممکن است سوال شود که با توجه به وجود این همه موشکهای قاره پیما و سلاحهای میکروبی و اتمی چطور ایشان با شمشیر می جنگد؟

جواب اینکه گفتیم چون جنس آهن شمشیر ایشان با آهنهای زمان حال فرق دارد، لذا موشکها کاربردی ندارند و دشمنان ترجیح می دهند رو در رو و تن به تن بجنگند. و اینکه مطلب بر می گردد به علم امام زمان و علم روز. چون علوم پیشرفت نموده، سلاحها کاربردی ندارند.

عدم بخل آسمان و زمین

و در عصر حکومت امام زمان همانطوریکه گفته شد زمین تمام گنجهای خود را بیرون می ریزد و هیچ جا خشک و بدون سبزه نیست بلکه همه رویدنیها می روید و آسمان بخل ندارد بلکه هرچه بارش نیاز باشد، می بارد. آنقدر وفور نعمت می شود که مردم، در بذر به دنبال فقیر و مستمند می گردند و کسی را پیدا نمی کنند.

عدالت

بعد دیگر حکومت امام زمان بعد عدالت است. عدالتی که یک ذره آن در زمان حال، زیر این گنبد خضراء پیدا نمی شود و مبنای آن، عدالت است. همانطوریکه حکومت جدش امیرالمومنین علی هم بر همین مبنا و اصل بنا شد. لکن مردم نپذیرفتند. و طاقت و توان آنرا نداشتند؛ چون مردم زمان امیرالمومنین بعد فرهنگی - سیاسی - اجتماعی آنها ضعیف بود. و لکن زمان امام عصر، عصر شکوفایی علم و دانش و ابداعات و اختراعات است. و در آن زمان است که حکومت ایشان دو شرط مقبولیت و مشروعیت را توأمان به مرحله اجرایی گذارد.

کی شود وقت ظهورت

شد منور این جهان از مقدم مولود ما

عطرافشان گشت گیتی از چنین دردانه‌ای

مقدم خیر وجودش رحمت لطفش مدام

این چنین باشد صفات گوهر یکدانه‌ای

دردمندان را انیس و مستمندان را جلیس

بی‌توایان را زهر دردی بود درمانه‌ای

کی شود وقت ظهورت ای ولی‌الله حق

کز وجود مقدمت روشن شود کاشانه‌ای

گرچه ما غرق گناهیم و سراپا شرمسار

رحمت و لطف تو باشد بهر ما پروانه‌ای

بارالها نادم از درگاه تو دارد امید

بخششی کز لطف و مه‌رت بود فرزانه‌ای

علی آیت‌الله زاده صدر

فصل دوازدهم

منتظران واقعی و دروغین

انتظار و فطرت

انسان فطرتاً تمایل به کمال دارد و دنبال کمال و سعادت است و چون مظهر کمال و سعادت در عصر حکومت امام زمان علیه السلام به تبلور می‌رسد، به ما دستور داده‌اند که منتظر باشیم. این دستور یک دستوری است مبتنی بر فطرت و چیزی اضافه از ما نخواسته‌اند. و هرکس عاشق کمال است، و هرکسی عاشق زیبایی است و هرکسی عاشق آینده‌ای زیبا و درخشان است به سرحد اعلایش در حکومت امام زمان پیدا می‌شود. پس منشا انتظار یک واخوردگی اجتماعی نیست، بلکه یک چیز درونی و فطری است، مثل خداپرستی و خداجویی. بنابراین پیامبران هیچکدامشان نیامدند که بگویند: خدایی هست. چون فطرتاً انسان می‌داند که خدا هست، بلکه آمده‌اند که بگویند خدا صمد است نه صنم. خدا هو است نه هیل. مصداقش را تعیین کرده‌اند؛ نه اینکه بخواهند به اصل مطلب پردازند. چرا؟ چون خداپرستی امری است فطری. و مربوط است به نهاد و فطرت انسان. پس منشا حکومت امام زمان امری است مطابق با فطرت.

عشق و محبت به حضرت مولا صاحب الزمان (عج)

کلام در محبت و موجبات ذاتی و تکوینی آن است اگر چه دریافت حق و حقیقت و محبت و عشق برای انسان، و بلکه همه موجودات زنده وجدانی است به رسم نوشتارها مفهوم و معنای آنرا نیز می آوریم.

مبحث را ادراک ملائم با طبع و بغض را ادراک غیرملائم با طبع تعریف کرده اند. همچنین گفته اند که محبت تابع معرفت بالله و شناخت است و هرچه شناخت بیشتر شود محبت شدیدتر و عمیقتر خواهد شد.

گردل نبود کجا وطن سازد عشق گر عشق نباشد به چه کار آید دل
از محبت خارها گل می شود وز محبت سرکه هامل می شود

لذا حقیقت کشش و جذبۀ دل‌های پر از عشق حضرت پروردگار و نیز سوختگان شمع وجود مقدس حضرت ولی عصر ارواحنا فداه هیچگاه بعنوان یک مسئله عقلی قابل بررسی نیست و نیز جاذبه حضرت امام عصر صلوات الله علیه نسبت به رعایا و شیعیان خود از کتاب و کتیبه و گفتار و کردار و آزمایشگاه مفهوم نمی شود بلکه تلاطم امواج بیکران و خروشان دریای محبت در سواحل آرام قلب هر کسی است که می تواند بدون حجاب، نمونه هائی از آن را برایش بشهود بیاورد.

پس مقصد و مقصود در این بحث عمیق فقط تنها ایجاد تذکراتی است که بتواند دل‌های خفته عاشقان فطری و یار حضرتش را بیدار و هوشیار نماید تا بتواند خود این جاذبه و کشش را دریافت کند چرا که محبت یار و جذبۀ رخ او در دل عاشقان بیدار دل، نهفته است و تنها با یک اشارت از سوی او نیست که آن ظهور بخشد.

البته ایشان برای دریافت محبت و چشیدن شهد گوارای آن باید خود را در معرض وزش نسیمهای رحمانی و رحیمی ذات اقدس اله قرار دهد تا در

سواحل دریای بیکران محبت‌های او به اندازه پیمان‌ه وجودی خویش نصیبی جانفزا بردارد.

و پیش نیاز برخورداری از این نفحات خداوندی، پاک‌ی، طهارت روح و قداست باطنی است و بس؛ که زمینه را برای تجلی محبت ائمه دین و امام‌حی حضرت ولی‌ا... اعظم (روحی له الفداء) در این دل‌های مطهر مهیا می‌کند. درست مانند اصل معرفت که تفضلی و با عنایت از جانب خود اوست و بر بندگان است که آنرا پذیرا باشند تا در دریای موج محبت وارد و به اندازه پیمان‌ه خویش سیراب گردند و این نیست مگر جز به مهر و محبت و عشق به وجود نازنین حضرتش

طیب عشق مسیحا دم است و مشفق لیک

چو درد در تو نیند که را دوا بکنند

تمرین عشق به وجود نازنین حضرت ولی عصر (عج) و تمکین ظهور

اگر کسی بر روی سکوی محبت بایستد و جهان را از دید عشق و محبت بنگرد، درمی یابد که تمامی جهان با قانون عشق و محبت اداره می‌شود و این مسئله‌ای است که اغلب می‌توان گفت اکثر دانشمندان به آن اعتراف کرده‌اند.

مثلا از نظر عرفا و فلاسفه، حرکت جهان یک حرکت حسی است و تمامی جهان از جمادات تا مجردات، یکپارچه غرقه در عشق و محبت‌اند.

از نظر برخی فلاسفه نیز هر موجودی به کشش محبت، به سوی مقصد و مقصود خود در حرکت است و انسان که بعنوان خلیفه‌الله و جانشین ذات اقدس اله است و از او به عالم صغیر تعبیر شده است و در مقابل جهان که از آن به انسان کبیر تعبیر می‌گردد، در بسیاری از قوانین و سنتها خود بر یکدیگر تطابق دارند و آنچه خوبان همه دارند انسان به تنهایی داراست. انسان به تعبیری میکروفیلم

تمامی آفرینش است و نمونه کامل و جامع آن، در وجود مقدس مولا صاحب الزمان (عج) مستقر است.

و تمرین عشق به وجود نازنین حضرتش وظیفه و لازمه هر انسان عاقل و بالغ و شیفته آن بزرگوار است و انسان کامل مجسمه قوانین الهی است که با تمرین و تمکین و تکمیل می تواند زمینه ظهورش را فراهم نمایند.

چرا ما از قافله عشق عقب مانده ایم؟

به گواهی قرآن کریم آنکس که دل و زبانش از یاد یار، غافل و دور مانده است و عهد فطری خود را با یار و امامش فراموش کرده است، هرگز نمی تواند انسان معتدلی باشد. اینچنین کسی محبوب و مرادش شیطان و خواهش های نفسانی اوست و آن هوسهاست که او را به خود مشغول می سازد و از یاد و یار و مرکز ثقل عبودیت و بندگی دور می نماید. از آثار مهم و بارز عشق و محبت، یاد و ذکر نام محبوب محبان است. ذکر و عشق، مراتب و مراحل مختلفی دارد. لکن از دیگر مواقع و موانع عقب ماندگی در قافله عشق، تسلط شیطان و شیطان صفتان بر جان و قلب انسان است که نفس اماره زمام و افسار روح و عقل و اندیشه را در دست گرفته و بر دولت وجود او سلطه یافته و او را از یاد محبوب حق و حقیقت و امام زمان باز می دارد. اینجاست که انسان محبوب را در لفاظی ها و از فاصله دور دوست می دارد و در حالی که محبت واقعی نسبت به ولی الله الاعظم آمیخته و آغشته با بندگی، انقیاد و اطاعت محض از او و از فرامین الهی اوست و شرط وصال دوست مبارزه درونی و بیرونی با طاغوت و سر در ره دلدار دادن است. هرگز دمی زیاد تو غافل نبوده ام یا گفته ام حرف تو را یا شنیده ام

هم‌زبانی دل و دلدار

از خزانه دل یعنی همان پهنه پهناور عالم فطرت، اساس محبت و آثار و خواص آن را باز شناختیم. اکنون جای آن است که با بازگشتی کوتاه به این منبع عظیم الهی خصایص دلدار را نیز دریابیم.

از آنجا که انسان بنا بر خاصیت فطری خود زیباطلب و جمال جو و حسن خواه می‌باشد، همواره در جستجوی الگویی جمیل در تمامی جوانب زندگی و بدنبال تندیس نهایت زیبایی است و چه زیباست که این تشنگی روبه فزونی نهد و آب معرفت را در بستر زمین دل، به نهاد بذر محبت نشاند و سرمست دل به وادی عشق سپرده، در جستجوی دلدار و منتهای زیبایی نهد. آیا مگر تجلی صفات جمیله الهی جز در ذوات مقدسه خاصان درگاهش تجلیگاه دیگری یافته است؟ و چه شیدا است آنکسی که تشنه تشنگی است و دلپسته و پایبند عشق و وصال به اوصاف، خلق و خو، جمال و در یک کلام مرام مهدی فاطمه است. در کمالاتش واله و حیران گردیم و فریاد برآوریم (الی متی احار فیک) خود را و جامعه درون و برون را مهبای قدوم یار نمائیم و از دصفتان و مهدی گریزان نهراسیم و در یک مبارزه عظیم اخلاقی - علمی - فرهنگی - سیاسی و به تعبیری مرامی به انتظار ظهور نشینیم و سد غیبت را بشکافیم و حجابهای ظلمانی و حجب نورانی فی مابین خود و امام خویش را بزدائیم. رنگ و خود و بو و طعم مهدی زهرا بگیریم و دردمندانه با ادای خلوص و دین و وفای خویش به امام حق و حقیقتمان او را از زندگی عملی و عینی امان در تمامی ابعاد نرانیم و در تمامی صحنه‌های نبرد و جهاد و عزم و اراده از او مدد جوئیم و او را و اندیشه و آرمان هدف او را و مرام و رفتار علوی او را سرلوحه و سرمشق زندگی دین و دنیایمان قرار دهیم و فراموش ننمائیم که دریای محبتش بی ساحل است و جاده رفاقتش طرفینی است اگر ما او را دوست داریم به راستی او ما را بیشتر از

محبت مادر به فرزند شیرخوارش دوست می دارد. و از محبت است که همه چیز شیرین می شود. اینبار این شعر را با محبت دوست زمزمه نمائیم.

از محبت تلخها شیرین شود

از محبت مسها زرین شود

از محبت درها صافی شود

وز محبت دردها شافی شود

از محبت خارها گل می شود

وز محبت سرکه ها مل می شود

از محبت دار تسختی می شود

وز محبت بار بختی می شود

از محبت نار نوری می شود

وز محبت دیو حوری می شود

از محبت سجن گلشن می شود

وز محبت روضه گلشن می شود

از محبت سنگ روغن می شود

بسی محبت موم آهن می شود

از محبت حزن شادی می شود

وز محبت غول هادی می شود

از محبت نیش نوشی می شود

وز محبت شیر موشی می شود

از محبت سقه صحت می شود

وز محبت قهر رحمت می شود

از محبت مرده زنده می شود

وز محبت شاه بنده می شود



حضرت امام زمان (ع) در ادعیه: (به صورت اخص و عام)

آنچه مسلم است همانطوریکه حضرت امام زمان (عج) قرآن ناطق است در ادعیه‌های بسیاری اسم و نام مبارکشان آمده است که بصورت فهرست‌وار بیان می‌شود؛ من جمله: دعای روز جمعه مفاتیح الجنان ص ۲۵۳ - اعمال شب جمعه و روز جمعه ص ۵۵-۵۷ - نماز حضرت صاحب الزمان ص ۸۴ - در اعمال روال روز جمعه ص ۸۸ زیارت حضرت حجت در روز جمعه ص ۱۰۹ اعمال عصر جمعه ص ۹۰ - دعای سمات ص ۱۳۴ - دعای مجیر ۱۵۵ - دعای توسل به ائمه طاهرين - دعای توسل دیگر ص ۲۱۹ - دعای فرج ص ۲۲۱ - دعای الهی عظم البلاء ص ۲۳۰ - دعای امام زمان اللهم ارزقنا توفيق الطاعة ص ۲۳۱ - استغاثه به آقا امام زمان سلام... الکامل التام - مناجات ائمه در شعبان ص ۳۰۶ - فضیلت ماه شعبان ص ۳۰۲ - صلوات هر روز ماه شعبان ص ۳۰۴ - فضیلت نیمه شعبان ص ۳۱۹ - اعمال شب نیمه شعبان ص ۳۲۰ - دعای افتتاح ص ۳۴۳ - زیارت حضرت رسول و ائمه هدی (ع) در روزهای جمعه ص ۶۱۰ - فضیلت و اعمال مسجد سهله ص ۷۵۹ - زیارت عاشورا معروفه ص ۸۶۱ - زیارت والده حضرت قائم نرجس خاتون ص ۹۵۰ - زیارت جناب حکیمه ص ۹۵۳ - زیارت حضرت صاحب الامر (ع) ص ۹۵۸ - دعای ندبه ص ۹۷۷ - زیارت حضرت حجت بعد از نماز صبح ص ۹۹۱ - دعای عهد ص ۹۹۱ - دعا برای حضرت امام عصر ۹۹۴ - زیارت جامعه صغیره به زیارت جامعه کبیره ص ۱۰۰۰ - دعا بعد از زیارت ص ۱۰۱۸ - دعائی که در زمان غیبت باید خداوند ۱۰۸۲ - دعا بعد از نماز حضرت امام زمان ص ۱۰۱۴ - نماز مسجد جمکران در قم ص ۱۲۳۸ - نماز امام زمان در شب جمعه ص ۱۲۳۹ - حرز حضرت مولانا قائم ص ۱۳۳۰ - دعای زمان غیبت ص ۱۳۲۴ - دعای فرج ۱۳۸۱ زیارت آل یاسین - و ادعیه دیگری که در صحیفه المهدی بدانها ذکر گردیده است.

مهدی فی القرآن

در کتاب حکومت جهانی حضرت مهدی (عج) نوشته محمود شریعت زاده خراسانی، مجموع آیاتی را که ایشان موفق به جمع آوری گشته‌اند ۲۰۳ آیه مطرح کرده‌اند که تفسیراً و تاویلاً و یا اتم و اکمل مصداق آن حضرت بقیة... می باشند من جمله:

زمر (۲ آیه = ۵۶-۶۹)	بقره (۱۹ آیه = ۲-۳-۶-۱۲۴-۱۲۳-۱۴۸-۱۵۵-۲۶۱-۲۸۵)
غافر (۱ آیه = ۷)	آل عمران (۵ آیه = ۱۸-۸۳-۱۴۰-۱۴۱-۲۰۰)
فصلت (۲ آیه = ۱۷-۵۳)	نساء (۶ آیه = ۴۷-۵۹-۶۹-۷۷-۸۳-۱۵۹)
شوری (۹ آیه = ۱-۲-۱۷-۱۸-۱۹-۲۳-۴۱-۴۵)	مائده (۴ آیه = ۳-۱۲-۱۴-۵۴)
زخرف (۳ آیه = ۲۸-۶۱-۶۶)	انعام (۶ آیه = ۳۱-۴۰-۴۴-۸۹-۱۱۵-۱۵۸)
دخان (۸ آیه = ۱-۲-۳-۴-۱۰-۱۱-۱۲-۱۴)	اعراف (۷ آیه = ۴۸-۵۳-۱۲۸-۱۵۷-۱۵۹-۱۶۰-۱۸۷)
جاثیه (۲ آیه = ۱۴-۲۹)	انفال (۲ آیه = ۸-۳۹)
محمد (۱ آیه = ۱۸)	توبه (۳ آیه = ۳-۳۳-۳۶)
فتح (۲ آیه = ۲۵-۲۸)	یونس (۲ آیه = ۲۰-۲۴-۶۴-۱۰۴)
ق (۲ آیه = ۴۱-۴۲)	هود (۴ آیه = ۸-۲۱-۸۰-۸۶)
ذاریات (۲ آیه = ۲۲-۲۳)	یوسف (۲ آیه = ۱۰۸-۱۱۰)
قمر (۱ آیه = ۱)	رعد (۱ آیه = ۷)
رحمن (۱ آیه = ۴۱)	ابراهیم (۴ آیه = ۵-۲۴-۴۴-۴۵)
حدید (۱ آیه = ۱۷)	حجر (۴ آیه = ۳۶-۳۷-۳۸-۸۷)
مجادله (۱ آیه = ۲۲)	نحل (۳ آیه = ۱-۱۶-۴۳)
صف (۳ آیه = ۸-۹-۱۳)	اسراء (۵ آیه = ۵-۶-۱۳-۲۳-۸۱)
تغابن (۱ آیه = ۸)	کهف (۱ آیه = ۹)
ملک (۱ آیه = ۸)	مریم (۲ آیه = ۲۷-۷۵)
قلم (۱ آیه = ۱۵)	طه (۳ آیه = ۱۱۳-۱۱۵-۱۳۰)
معارج (۲ آیه = ۲۶-۴۴)	انبیاء (۴ آیه = ۱۱-۱۲-۱۳-۱۰۵)
جن (۲۴)	حج (۸ آیه = ۷-۳۹-۴۱-۵۵-۶۰-۶۵-۷۷-۷۸)
کوثر (۱۴ آیه = ۸-۹-۱-۳۸-۴۸ الی ۴۸)	نور (۲ آیه = ۳۵-۵۵)
تکویر (۲ آیه = ۱۵-۱۶)	شعراء (۲ آیه = ۴-۲۱)
انشقاق (۱ آیه = ۱۱)	نحل (۳ آیه = ۶۲-۸۲-۸۳)
بروج (۱ آیه = ۱)	قصص (۲ آیه = ۵-۶)
طارق (۳ آیه = ۱۵-۱۶-۱۷)	غنکبوت (۲ آیه = ۱۰-۴۹)
غاشیه (۴ آیه = ۱-۲-۳-۴)	روم (۳ آیه = ۴-۵-۶)
فجر (۴ آیه = ۱-۲-۳-۴)	لقمان (۲ آیه = ۲۰-۲۲)
شمس (۴ آیه = ۱-۲-۳-۴)	حد (۳ آیه = ۲۱-۲۴-۲۹)
لیل (۵ آیه = ۱-۲-۹-۱۰-۱۴)	احزاب (۲ آیه = ۶-۳۳)
قدر (۵ آیه = ۱-۲-۳-۴-۵)	سبا (۵ آیه = ۵۱-۵۲-۵۳-۵۴)
بینه (۱ آیه = ۵)	ض (۲ آیه = ۸۱-۸۸)
عصر (۳ آیه = ۱-۲-۳)	

نگوییم: «انشاءالله آقا می آید و کارها را خودش درست می کند»؟!

خود انتظار دو صورت دارد: یکی انتظار افراد راحت طلب که به آنان می گویند انتظار راحت طلبان. اینها کسانی هستند که دلشان لک می زند که امام زمان بیاید، تا از مواهب حکومتی آن آقا، استفاده کنند. و زبان حالشان این است که انشاءالله آقا می آید و کارها را خودش درست می کند. این می شود یک انتظار راحت طلبان دنیا، چون اینها دنبال دنیا هستند. و این حرف یک بیماری دینی است و منشا آن استضعاف فکری است. و اولین کسی که زیر این گنبد کیود این حرفها را زدند قوم یهود بودند. آنوقتیکه حضرت موسی بر فرعون غلبه کردند و پیروز شدند و فرعون و فرعونیان در رود نیل غرق شدند، موسی علیه السلام تصمیم گرفتند از وادی مصر به وادی مقدسه بروند. به قومش گفتند: بیایید با هم برویم آنجا، چون وعده گاه خلق آنجاست؛ آنجا امنیت کامل است؛ آنجا نعمتهای فراوان الهی است. خداوند آنجا را برای شما قرار داده است. آنها برگشتند به موسی علیه السلام گفتند: آقای موسی، قومی که آنجا هستند مردمانی می باشند که ما عمیقاً از آنها وحشت داریم و می ترسیم. حضرت موسی فرمودند: می وریم آنجا و با آنها می جنگیم و پیروز می شویم و آنجا را فتح می کنیم و آن سرزمین می شود مال ما. گفتند: این نشد. «اذهب انت و ربک فقاتلاً انا هنا قاتلون.» تو و خدایت بروید و بجنگید. ما اینجا هستیم کارها که تمام شد، ما می آییم پیش تو و به شما می پیوندیم. خوب این مسخره کردن حضرت موسی بود (نعوذبالله). این دروغ شمردن وعده های حضرت باری تعالی بود. یعنی این قوم یهود، به قول پیغمبرشان اعتماد پیدا نکردند که گفتند تو و خدایت بروید و بجنگید. هر وقت پیروز شدید ما می آییم. و الا اگر به آن وعده ها، و نعمتها ایمان داشتند، این حرفها را نمی زدند. اینها به پیغمبرشان گفتند: برو. خداوند هم به جرم اینکه به قول پیغمبرشان اعتماد پیدا نکردند و در واقع هتک حرمت نمودند؛ چهل سال در

بیانها، حیران و سرگردان بودند. عیناً وضعیت بعضی از منتظران حضرت مهدی است که می‌گویند انشاءالله آقا می‌آید و کارها را درست می‌کنند و همه چیز درست می‌شود. با همین حرفها از خود سلب مسوولیت می‌کنند. قوم موسی چهل سال حیران و سرگردان بودند و اینها دو میلیون سال سرگردان و حیرانند؛ اگر بخواهند اعتقادشان این باشد. اما یک انتظار هم داریم به نام منتظران واقعی، اینها چه کسانی هستند؟

اینها کسانی هستند که زمینه آن حکومت را ایجاد می‌کنند. برای اینکه گفته‌اند: «انتظارالفرج افضل اعمال امتی.» (انتظار فرج بهترین و برترین عمل است) عمل، پویایی است نه سکون. «افضل العباده الانتظار الفرّج.» (برترین عبادتها انتظار فرج است. اینکه انسان بنشیند و پایش را روی پایش بیندازد و دست روی دست بگذارد که عبادت نیست و انتظار فرج از نماز بالاتر است؛ انتظار فرج از روزه بالاتر است و انتظار فرج از جهاد بالاتر است. و این به این معنا نیست که خودش بیاید و کارها را درست کند. و این به این معنا نیست. بلکه چون از وضعیت موجود ناراحتیم، تلاش می‌کنیم برای آینده‌ای بهتر. چرا افضل عبادت است؟

چون فرج امام زمان ابعاد مختلفی دینی دارد، حکومت حضرت حجت بعد توحیدی دارد. (۱)

حکومت حضرت حجت بعد نبوت و رسالت دارد. چنانچه خواسته باشیم برای هریک از موضوعات فوق بحث را تشریح و تفسیر نماییم، به تألیفات بیشتری نیاز دارد که انشاءالله در آینده بدانها خواهیم پرداخت.

پس ابعاد حکومتی حضرت امام را به طور خلاصه بیان نمودیم و اینکه منتظر واقعی کسی است که تمامی این ابعاد را پذیرفته، قبول نماید و با شناخت و

معرفت کافی در انجام وظایف خویش بکوشد و هر لحظه منتظر ظهور آن حضرت باشد و زمینه‌های فرج آن حضرت را فراهم نماید. آنچنانکه بزرگان مادر این امر اهتمام بسزایی داشتند. بالاخص نمونه بارز آن وجود مبارک حضرت امام راحل بودند که با همتی وصف‌ناپذیر و با توانی الهی توانستند با پشتوانه مردمی بر حکومت جور و طاغوت زمان پیروز شوند و انقلاب سربلند جمهوری اسلامی را که زمینه‌ساز و پرتوی از تشعشعات حکومت صالحه مصلح آخرالزمان، مهدی موعود علیه السلام است را پایه‌ریزی و بنیانگذاری نمایند و به واقع اسوه حسنه‌ای از منتظران حضرت به شمار می‌رفتند. و پس از ایشان نیز طلایه‌دار وادی انتظار مقام معظم رهبری نیز میداندار و علمدار عصر ظهور می‌باشند و ما نیز تحت رایت این فرزند صالح فاطمه، چشم انتظار ظهور یوسف زهرای اطهر و عزیز قلبهای مطهر نشسته‌ایم و نگاههای امیدوارمان را فرش قدوم مبارکش خواهیم کرد.

گردست دهد خاک کف پای نگارم بر لوح بصر حظ غباری بنشانم
 پروانه او گرسدم در طلب جان چون شمع هماندم بدمی جان بسپارم
 امام صادق علیه السلام به زراره فرمودند:

« قال زراره ان ادركت ذلك الزمان فالزم هذا الدعاء.»

(اگر زمان غیبت را درک کردی ایندعا را همیشه بخوان)

« اللهم عرفني نفسك فانك ان لم تعرفني نفسك لم اعرف نبيك الله عرفني
 نبيك فانك ان لم تعرفني نبيك لم اعرف حجتك اللهم عرفني حجتك فانك ان لم
 تعرفني حجتك ضللت عن ديني.»

«خدایا خودت را به من بشناسان، چون اگر خودت را به من شناسانی
 پیامبرت را نخواهم شناخت. خدایا رسول خود را به من معرفی کن چون اگر
 رسول تو را شناسم، حجت تو را نخواهم شناخت.»

خدایا حجت خود را به من معرفی کن؛ زیرا اگر حجت تو را نشناسم، از دین خود گمراه شده‌ام.»^(۱)

به این ترتیب درمی‌یابیم که اسلام از توحید شروع شده و با شناخت رسول خدا ﷺ و حجت الهی درآمیخته است؛ در غیر این صورت گمراهی است.

همچنین در آخر دعای مخصوص آقا امام زمان علیه السلام را با یکدیگر زمزمه می‌نماییم. «اللهم کن لولیک الحجة بن الحسن صلواتک علیه و علی آبائه فی هذه الساعة و فی کل الساعة ولیاً و حافظاً و قائداً و ناصراً و دليلاً و عیناً حتی تسکنه ارضک طوعاً و تمتعه فیها طویلاً.»

آن سفر کرده که صد قافله دل همراه اوست

هر کجا هست خدایا به سلامت دارش

در اتمام این دفتر، نوشته را متبرک می‌نماییم به ذکر حدیثی نیکو در باب

انتظار، هر چند حکایت همچنان باقی است.

فضیلت منتظران

« قال ابو عبد الله: من مات منکم و هو منتظر لهذا الامر کمن هو مع قائم فی

فسطاطه ثم مکث هنیئة ثم قال: لا ابل کمن قارع معه بسيفه

ثم قال: لا والله الا کمن اشتشهد مع رسول الله»

امام جعفر صادق علیه السلام فرمودند:

هر کس از شما بمیرد در حالیکه منتظر حکومت امام زمان بوده است، مانند

کسی بوده است که با امام قائم در خیمه‌اش بوده است. سپس اندکی درنگ کرده

و فرمودند: نه بلکه همانند کسی است که در کنار حضرت زد و خورد کند. سپس

فرمودند نه، به خدا قسم بلکه مانند کسی است که در کنار رسول خدا به شهادت برسد.

(بخارالانوار ج ۴۲ / ص ۱۲۶)